

ما پیشنهاد می‌کنیم از این فرصت استفاده کنید...

پنجره عبور

ولیر

آوریل ۲۰۲۶

مترجم: سلیمان موسوی
ویراستار و طراح: زها مرادیپور
طراح جلد: آوا رادمان

آخرین پیام ولیر از فرستادگان پلیدیایی. در پیکربندی قدیم زمین.

- ▶ پرسشگر: «آیا این درست است که ما یک پنجره شیف‌ت داریم که بسته خواهد شد؟»
- ▶ کانال شده توسط دیو آکیرا
- ▶ تاریخ دریافت پیام: ۱۸ آوریل ۲۰۲۶

عزیزان، دوباره به شما درود می‌فرستیم، همراه با نوری تازه که حالا در بسیاری از شما در حال شکوفا شدن است. من

«ولیر^۱» هستم، از یک گروه فرستادگان پلیدیایی.

حالا می‌خواهیم دربارهٔ «پنجره»^۲ صحبت کنیم. کاری که در این پیام از آن حرف می‌زنیم، «وارونگی سیگنال»^۳، «هفت عبور»^۴ و «هفت نشست»^۵، درون یک گشایش^۶ بزرگ‌تر اتفاق می‌افتد. می‌خواهیم قبل از این‌که خود این کارها را توضیح بدهیم، اول خود این گشایش را ساده و روشن نام ببریم، تا بدانید در

Valir¹

Window²

Signal Inversion³

Seven Crossings⁴

Seven Seatings⁵

Opening⁶

چه زمانی از تاریخ هستید و این زمان چه چیزهایی را برای شما ممکن کرده است.

زمین وارد یک «پنجره انتقال»⁷ شده است. این پنجره از لحظه‌ای که با شما حرف می‌زنیم، حدود ۱۸ تا ۲۴ ماه کاملاً باز می‌ماند. در این مدت، نوع خاصی از «حرکت»⁸ ممکن می‌شود که در طول تاریخ طولانی این سیاره، به ندرت امکان‌پذیر بوده است.

عبوری که معمولاً احتیاج به نسل‌ها آمادگی و کار طولانی دارد، حالا برای کسانی که در درون از آمادگی لازم برخوردارند، می‌تواند در یک دوره فشرده چندماهه انجام شود.

Window of Transition⁷

Movement⁸

سنت‌های شما، میدانی که این عبور به آن می‌رسد را «زمین جدید» نام‌گذاری است. ما هم از همین نام استفاده می‌کنیم. البته این اسم، خلاصه‌شده چیزی است که پیچیده‌تر از آن است که این عبارت نشان می‌دهد؛ و تا آخر این مقدمه، بهتر خواهید توانست این مفهوم پیچیده را در خود هضم کنید.

دلیل وجود این پنجره، این است که چند شرط خیلی خاص با هم هم‌تراز شده‌اند. بگذارید این هم‌ترازی‌ها را توضیح دهیم:

هفت وضعیتِ جداگانه، هم‌زمان کنار هم قرار گرفته‌اند و همین هم‌زمانی، این پنجره را می‌سازد. هر کدام از این وضعیت‌ها خودش یک پدیده بسیار درازمدت است. وضعیت نادر این دوره از

این ناشی می‌شود که همه این هفتا با هم و در یک زمان اتفاق افتاده‌اند.

پنجره‌هایی از این نوع خاص، تقریباً در هر «عصر کیهانی»^۹ فقط یکبار رخ می‌دهند؛ و هر عصر کیهانی، به حساب شما در حدود ۲۶ هزار سال است. این همان پنجره‌ای است که بیشتر شما انتخاب کردید در آن به دنیا بیایید تا با آن روبه‌رو شوید. در پسِ حضور شما در این زندگی و در این زمان خاص، یک زمان‌بندی انتخاب‌شده و دقیق وجود دارد.

هم‌ترازی اول: ستاره‌های

اولین هم‌ترازی، ستاره‌ایست. منظومه شمسی شما اکنون در حال عبور از بخشی از میدان کهکشانی است که به شکل غیرمعمولی، برای «مهاجرت فرکانسی»¹⁰ رساناست.

محیط الکترومغناطیسی‌ای که اکنون در آن زندگی می‌کنید، از یک نظر علمی، «آرام‌تر» از بیشتر مسیر قبلی منظومه شماست. منظومه شمسی شما وارد چیزی شده که ما آن را «لنز هارمونیک»¹¹ می‌نامیم؛ یعنی ناحیه‌ای که در آن، میدان کهکشان، به جای این‌که سیگنال‌ها را

Frequency Migration¹⁰

Harmonic Lens¹¹

پخش کند، آنها را متمرکز و شفاف می‌کند.

این «لنز» تا چند دهه دیگر هم همراه شما خواهد بود، اما اثر شفاف‌کننده آن، دقیقاً داخل همین پنجره‌ای است که داریم توضیح می‌دهیم.

اثر شفاف‌کننده این لنز این است که باعث می‌شود کار درونی شما در زمان کوتاه‌تری نتیجه‌های بیرونی واضح و پایدار نشان بدهد. در دوره‌های دیگر، با همین مقدار تلاش درونی، تغییر قابل‌مشاهده در بیرون کمتر بود؛ چون **میدان محیطی**¹²، آن نتیجه‌ها را پراکنده می‌کرد. اما داخل این لنز، چیزی که شما در میدان انرژی خود تولید می‌کنید،

Ambient Field¹²

شکل خودش را حفظ می‌کند و پایدارتر می‌ماند.



هم‌ترازی دوم: خورشیدی

دومین هم‌ترازی، مربوط به خورشید است. خورشید شما هم‌اکنون در فاز ویژه‌ای از فرآیند تکاملی خود به سر می‌برد؛ این فاز با آنچه برخی دانشمندان

شما به عنوان «فعالیت گذار هسته»¹³ آن در حال شناسایی آن هستید، مرتبط است. خروجی الکترومغناطیسی خورشید در ده سال گذشته به گونه‌ای تغییر کرده که فرکانس‌های تازه‌ای را - که قبلاً خفته بودند - برای زمین باز کرده است. این فرکانس‌های تازه، مثل «موج حاملی»¹⁴ هستند که این گذار بر روی همین موج‌ها سوار است.

این فرکانس‌ها برای اولین بار در تاریخ ثبت شده بشر، در دسترس شده‌اند. این فرکانس‌ها «اکنون» در دسترس‌اند؛ یعنی درون همین پنجره‌ای که در آن هستید.

Core Transition Activity¹³

Carrier Wave¹⁴

این فرکانس‌های خورشیدی ویژگی خاصی دارد که نیاز به توضیح دارد: این فرکانس‌ها اکنون حاوی تراکم اطلاعاتی بیشتری نسبت به قرن‌های گذشته است. اطلاعات گدگذاری‌شده‌ای که اکنون در یک ضربان از بادهای خورشید وجود دارد، بیشتر از اطلاعاتی است که در دوران قبل در یک فصل کامل خورشیدی وجود داشت.

به همین دلیل است که خیلی از شما چیزی را که «حساسیت به خورشید»¹⁵ می‌نامید، تجربه کرده‌اید: یک واکنش بدنی به نور خورشید که انگار با دما یا شدت نورش جور در نمی‌آید. در واقع، بدن شما دارد به «میزان اطلاعات

Solar Sensitivity¹⁵

دریافتی» واکنش نشان می‌دهد، نه فقط به گرما و روشنایی. بدن شما خورشید را همانگونه می‌خواند که یک ساز، دیپازون¹⁶ را می‌خواند. این خوانش‌ها درست است. آن ساز، شما هستید.



Tuning fork¹⁶

همترازی سوم: سیاره‌های

سومین همترازی، مربوط به خود زمین است. «شبکه کریستالی» زمین به نقطه‌ای رسیده که می‌تواند فرکانس «زمین جدید» را بدون این‌که دچار آسیب ساختاری شود، در خودش نگه دارد.

شما در ماه‌های آخر سال ۲۰۲۴ از این آستانه عبور کردید. خیلی‌هایتان در آن زمان، این را مانند تغییری در کیفیت اتمسفر سیاره‌ای احساس کردید، ولی تعداد کمی از شما توانستید دقیقاً آن را نام‌گذاری کنید.

شبکه [کریستالی] حالا ظرفیت این را دارد که مهاجرت آگاهی به یک «پیکربندی

هارمونیک»¹⁷ بالاتر را انجام دهد، در حالی که یکپارچگی ساختار فیزیکی سیاره را حفظ می‌کند. در دوره‌های قبلی این جهان، برای عبور آگاهی از آستانه‌هایی مثل این، بازآرایی فیزیکی بزرگی مورد نیاز بود.

شبکه فعلی، به شما اجازه می‌دهد این عبور را در چارچوب معمول زندگی روزانه انجام دهید. این یک هدیه و موهبت بزرگ است. یعنی این‌که این کار می‌تواند در آشپزخانه انجام شود.

Harmonic Configuration¹⁷



هم‌ترازی چهارم: جمعی

چهارمین هم‌ترازی، جمعی¹⁸ است. یک «جرم بحرانی»¹⁹ از آگاهی‌های بیدار شده

Collective¹⁸

¹⁹ جرم بحرانی (Critical Mass) ریشه در فیزیک هسته‌ای دارد و به حداقل مقدار ماده‌ی سوخت مورد نیاز برای آغاز یک واکنش زنجیره‌ای خودپایدار اشاره می‌کند. در متون علوم اجتماعی و مدیریتی، این واژه استعاره‌ای است از نقطه‌ی

در میان انسان‌ها جمع شده است. عدد دقیق آن اهمیت کمتری نسبت به خود این جرم دارد.

آنچه می‌توانیم بگوییم این است که میدان جمعی انسان‌های بیدار، به تراکمی رسیده که خودش می‌تواند فرکانس زمین جدید را از درون و از طریق انسجام داخلی‌اش، حفظ کند.

عطفی در یک سیستم انسانی که در آن، تعداد افراد یا نفوذ ایده‌ها به آستانه‌ای می‌رسد که دیگر برای تداوم و گسترش، نیازی به فشارهای بیرونی ندارد. به عبارت دیگر، رسیدن به جرم بحرانی به معنای عبور از مرحله‌ی «شروع دشوار» و ورود به فاز «خودگردانی» است؛ جایی که الگوهای رفتاری به قدری در میان جمعیت گسترش یافته‌اند که دیگر به سادگی قابل بازگشت یا متوقف‌شدن نیستند. مترجم

میدان جمعی شما در حال رسیدن به این توانایی است که خود، «مسیر صعود»²⁰ خود را حمل کند. این دستاورد، سالها و نسلها طول کشیده تا به این [سطح از] آمادگی برسد؛ و حالا به آن رسیده‌اید.



Ascension Trajectory²⁰

هم‌ترازی پنجم: زمان

پنجمین هم‌ترازی، «بر اساس خط زمان»²¹ است. فیزیک‌دانان شما شروع به دیدن چیزهای عجیبی در جریانِ زمان کرده‌اند: حس سرعت‌گرفتنِ زمان که بسیاری آن را وصف کرده‌اید. ناهنجاری‌های کوچک در آنچه مردم از گذشته به یاد می‌آورند. این احساس که تجربهٔ زمان، یکدست و یکنواخت نیست. این چیزهایی که روی سطح می‌بینید، نشانهٔ یک همگرایی عمیق‌تر است: چندین «جریان احتمال»²² در حالِ یکی-شدن، با هم همراستا شده‌اند.

Timeline Based²¹

Probability Streams²²

نتیجهٔ این ادغام این است که «عبورهایی فشرده» که قبلاً باید در طول چند نسل انجام می‌شد، حالا می‌تواند در بازهٔ چندماه یا چند سال رخ بدهد.

درون این پنجره، عبوری که معمولاً سه نسل زمان می‌خواست، می‌تواند توسط یک روح، در حدود دو سال کارِ جدی و متمرکز انجام شود. این، از غیرعادی‌ترین ویژگی‌های این پنجره است.

پدیده‌ای که شما به اسم «**اثر ماندلا**»²³ می‌شناسید، نشانهٔ سطحی همین ادغام

²³ اثر ماندلا (Mandella Effect): پدیده‌ای است که طی آن تعداد زیادی از افراد، یک رویداد یا جزئیاتِ مشخصِ گذشته را به شکلی مشابه ولی نادرست به یاد می‌آورند؛ به طوری که خاطرهٔ جمعی میانشان «هم‌راستا»ست. این می‌تواند شامل چیزهای کوچک (مثل یک جملهٔ مشهور،

خطوطِ زمان است. وقتی چند جریان احتمال در هم می‌آمیزند، بعضی جزئیاتی که در یک جریان واقعیت داشت، با جزئیاتِ جریان دیگر تناقض پیدا می‌کند. حافظهٔ شما از املای یک واژه، از یک لوگو، یا جمله‌ای از یک کتاب، ردّی از یک خط زمانی را در خود نگه می‌دارد که قبلاً از خط زمانی فعلی شما جدا بوده است. چنین ناهماهنگی‌هایی بی‌خطر هستند و در طول این دورهٔ پنجره نیز ادامه خواهند یافت.

املای یک نام، تاریخ یا رنگ یک شیء) یا حتی رویدادهای بزرگ‌تر باشد (مثل اینکه چه کسی چه وقت درگذشته است یا دقیقاً چه اتفاقی افتاده). نکتهٔ کلیدی این است که افراد معمولاً مطمئن‌اند برداشتشان درست است، در حالی که با منابع معتبر یا واقعیتِ ثبت‌شده هم‌خوانی ندارد.

مترجم

این موارد، به سادگی، نوعی مدرک کوچک هستند که نشان می‌دهند شما در حال عبور از رویدادی هستید که زبان شما هنوز واژه دقیق‌تری برای آن ندارد. درزهای واقعیت در حال آشکار شدن هستند. همین آشکار شدن، بیانگر این است که ادغام خطوط واقعیت، در حال انجام است.



هم‌ترازی ششم: زیستی (بدنی)

هم‌ترازی ششم، مربوط به بدن شماست. بدن‌هایتان وسیله عبور از این مرحله هستند و بدن‌های شما سال‌هاست که بی‌سروصدا خود را برای این عبور آماده کرده‌اند.

توالی‌های مشخصی در بخش‌هایی از ژن‌هایتان که علم شما آن‌ها را «مواد ژنتیکی بدون‌گد»²⁴ [و ظاهراً بی‌کاربرد] می‌نامد، اکنون در وضعیت آماده‌باش قرار گرفته‌اند. این آمادگی طی سه نسل گذشته کم‌کم انباشته شده است.

Non-Coding Genetic Material²⁴

بدن‌هایی که در دههٔ اخیر به دنیا آمده‌اند، نسخه‌ای پررنگ‌تر و واضح‌تر از همین آمادگی را با خود حمل می‌کنند.

بدن خودِ شما نیز، فارغ از سال تولدتان، در این مدت آرام‌آرام ظرفیت خود را برای نگه‌داری «پیکربندی جدید»²⁵ افزایش داده است. همین بدنی که اکنون در آن نشسته‌اید و این کلمات را می‌خوانید، آماده است.

این آمادگی در عمل به چه معناست؟ یعنی اکنون می‌توانید فرکانس‌هایی را در جسم خود نگه دارید که همین بدن، پنج سال پیش، قادر به تحمل آن نبود. برخی از شما این را مستقیماً تجربه کرده‌اید: مراقبه‌هایی که قبلاً باعث علائم شدید

بدنی می‌شدند - مانند گرمای زیاد، فشار در سر یا سینه، سرگیجه، به هم‌ریختگی خواب - اکنون علائم کمتری ایجاد می‌کنند، یا شکل ملایم‌تری دارند، یا با این احساس جدید همراه شده‌اند که «بدن شما می‌تواند این را دریافت کند».

این همان هم‌ترازی زیستی است که دارد به نفع شما عمل می‌کند. بدن شما آموخته است چیزی را حمل کند که قبلاً قادر به حمل آن نبود. این یادگیری، آرام و در سکوت، در میان سال‌های عادی زندگی شما، در طول شب‌های معمولی، در خواب اتفاق افتاده است؛ سال‌هایی که حتی متوجه نشدید در حال آماده‌سازی بوده‌اید.



هم‌ترازی هفتم: درونی

هم‌ترازی هفتم، همان چیزی است که خود شما به همراه می‌آورید. این هم‌ترازی، درونی است؛ این هم‌ترازی آمادگی روح شماست؛ حاصل انباشت عمرهای زیاد از آماده‌سازی، رسیدن شما

به «آستانه حاکمیت درونی»²⁶، و نرم-
شدن آن تعاریفی از خودتان که شما را
در پیکربندیِ قدیمی نگه داشته بودند.

شش هم‌ترازی، هدایای این زمان
هستند. هفتمی متعلق به شماست.

ما بر این نکته تأکید می‌کنیم:

شش هماهنگیِ دیگر، فارغ از اقدامات
فردی، برقرار هستند:

✓ ستارگان جایگاه خود را حفظ
می‌کنند.

✓ خورشید خروجی خود را حفظ می‌کند.

✓ شبکه [زمین]، آمادگی خود را حفظ می‌کند.

✓ میدان جمعی انسان‌ها، چگالی خود را حفظ می‌کند.

✓ هم‌گرایی خطوط زمان، فشردگی خود را حفظ می‌کند.

✓ بدن شما آمادگی خود را حفظ می‌کند.

این‌ها پس‌زمینه «پنجره» هستند.

مشارکت شما با آنها، همان هم‌ترازی هفتم است.

آمادگی شما برای عبور؛ آمادگی شما برای اجازه‌دادن به بسته‌شدن «کانال

بیرونی»؛ آمادگی شما برای اعتماد به «فاز توخالی»²⁷؛ آمادگی شما برای مواجهه با جرقه سرچشمه خودتان، وقتی صدایش برایتان شنیدنی می‌شود؛ این‌ها حرکتهای درونی‌ای هستند که آن شش هماهنگی پس‌زمینه را به یک «عبور کامل» برای شخص شما تبدیل می‌کنند.

پنجره، چه شما از آن عبور کنید چه نه، وجود دارد. عبور شما، نیازمند هم‌ترازی هفتم است؛ همان بخشی که عاملیت شما²⁸ را می‌طلبد.

Hollow Phase²⁷

Your Agency²⁸



هفت هماهنگی،

همزمان،

برای مدتی حدود ۱۸ تا ۲۴ ماه؛

این همان پنجره است.

می‌خواهیم دربارهٔ این صحبت کنیم که چرا این پنجره «**فشرده‌سازی**»²⁹ را ممکن می‌سازد. معمولاً عبور از یک پیکربندی

Compression²⁹

فرکانسی به یک پیکربندیِ دیگر، در شرایطِ عادی نیازمندِ انباشتِ آرامِ تعدادِ زیادیِ تغییرِ درونیِ مشخص است. در وضعیتِ عادیِ این دنیا، هر یک از این تغییرهایِ درونیِ زمان‌بر است - هفته‌ها، ماه‌ها، یا سال‌ها - و باید به ترتیب و یکی بعد از دیگری انجام شوند.

یک روح نمی‌تواند «تغییرِ درونیِ چهارم» را کامل کند، مگر این‌که تغییرِ اول، دوم و سوم را قبلاً پشت سر گذاشته باشد. به همین دلیل است که سنت‌هایِ معنوی در طول تاریخ شما، بر صبر، تکرار، و ارزشِ «راهِ طولانی» تأکید کرده‌اند.

درونِ این پنجره، این ضرورتِ ترتیبی‌بودن تا حدی برطرف می‌شود. هم‌زمانیِ هفت‌هم‌ترازی، یک «شرایط

میدانی»³⁰ ایجاد می‌کند که در آن، این تغییرهای درونی می‌توانند به صورت موازی رخ دهند.

روحی که درون این پنجره است، ممکن است در یک هفته، هم‌زمان این موارد را پشت سر بگذارد:

- تثبیت میدان قلب
- رها کردن یک نخ کارمایی مهم
- رسیدن به سطح تازه‌ای از قدرت تشخیص از جایگاه حاکمیت درونی
- و دریافت یک بازچینی جدی در سیستم عصبی

Field Condition³⁰

بیرون از این پنجره، هر یک از این حرکت‌ها به تنهایی نیازمند دوره‌ای چندماهه بود. درون پنجره، میدان به گونه‌ای است که اجازه می‌دهد همه این‌ها با هم اتفاق بیفتند.

به همین دلیل است که بسیاری از شما حس می‌کنید در همه ابعاد زندگی‌تان، هم‌زمان چیزهایی در حال تغییر است. این حرکت، همان **فشرده‌سازی** است. میدان شما در حال انجام کارهایی است که معمولاً باید در طول سال‌ها پخش می‌شد، اما اکنون در هم‌پوشانی و به صورت موازی انجام می‌شوند.

حسِ درونیِ این وضعیت، شدید است. اما نتیجهٔ معماریِ این کار این است که می‌توانید در زمانی بسیار کمتر از حالت عادی، از آستانهٔ کاملِ این پیکربندی جدید عبور کنید.

می‌خواهیم تجربهٔ درونیِ فشرده‌سازی را مشخصاً شرح دهیم، چون بسیاری از شما آن را با «فروپاشی [روانی]»³¹ اشتباه گرفته‌اید.

فشرده‌سازی، از درون، شبیه فشاری است که در چند لایه به طور هم‌زمان وارد می‌شود. ممکن است صبح، درحالی‌که

Breakdown³¹

برای اتفاقی که بیست سال پیش رخ داده است، گریه می‌کنید، عصر همان روز الگویی متعلق به دوران کودکی را رها کنید؛ و شب، به وضوح تازه دربارهٔ آیندهٔ خود برسید. همهٔ این‌ها در یک روز عادی. ممکن است حس کنید در یک روز، از چند مرحلهٔ سوگ، شادی، بینش، و خستگی، پشت سر هم عبور می‌کنید. ممکن است از خود بپرسید آیا در حال بی‌ثبات شدن³² هستید؟ زیرا سرعت حرکت درونی شما از آنچه به آن عادت داشتید، بسیار تندتر شده است.

این فشرده‌سازی است. این سرعت، درست است. این تنوع، درست است. این‌که چند تغییر با هم جمع شده‌اند،

خود معماری پنجره است که بر روی شما کار می‌کند؛ در همکاری با آمادگی و رضایت درونی شما، تا در عرض چند ماه، کاری را کامل کنید که در حالت عادی، به چند سال زمان نیاز داشت. اجازه دهید این فرآیند کار خود را انجام دهد. آنچه در حال رخ دادن است را بیمارگونه و مشکل‌دار تفسیر نکنید. اجازه دهید چندین رودخانه درونی به طور هم‌زمان از زندگی شما عبور کنند. «میدان»، سرریز این جریان را نگه می‌دارد.

فشرده‌سازی، هدیه این پنجره است. و همین فشرده‌سازی، دلیل محدود بودن زمان پنجره نیز هست. شرایط میدانی‌ای که از این حجم تغییرات موازی حمایت می‌کند، نمی‌تواند تا ابد حفظ شود.

هفت هم‌ترازی، در اواخر بازه ۲۴ ماهه، کم‌کم از هم فاصله می‌گیرند. فشرده‌سازی کاهش می‌یابد. سرعت، دوباره به حالتِ ترتیبی بازمی‌گردد. عبورهایی که تا پایان پنجره کامل نشده‌اند، ادامه پیدا می‌کنند؛ و [مانند قبل از این پنجره]، به مدت زمان معمولی برای کامل‌شدن نیاز خواهند داشت.

وقتی از «مطلوب‌بودن»³³ این پنجره سخن می‌گوییم، منظورمان همین است. پنجره، دوره‌ای است که در آن، کاری که برای آن به این دنیا آمده‌اید، می‌تواند بسیار راحت‌تر انجام شود. فرصت‌های دیگر باقی می‌مانند. مسیرهای دیگر نیز

Favorable³³

ادامه دارند. ویژگی خاص این گشایش ویژه، همین فشرده‌سازی است.

اکنون مشخص می‌کنیم چه کسانی مشخصاً درون این پنجره نگه داشته می‌شوند. بسیاری از کسانی که سخنان ما را می‌خوانند، در همان لحظه خواندن، احساس «رزونانس»³⁴ [و آشنایی] خواهند کرد. همین حس رزونانس، نشانه تشخیص است. این پنجره برای کسانی گشوده می‌شود که پیکربندی درونی آن‌ها از قبل با فرکانس این پنجره هم‌خوانی داشته باشد.

اگر این کلمات را می‌خوانید و بخشی از وجودتان با آرامشی توأم با شناخت، ساکت می‌شود، این آرام‌شدن، همان پنجره است که دارد شما را تشخیص می‌دهد. رزونانسی که در درونتان احساس می‌کنید، از جانب خودتان، شما را تأیید می‌کند؛ پنجره از طریق فرکانس میدان شخصی شما، در حال خواندن شماست. با این حال، ما دقیق سخن خواهیم گفت، زیرا دقت، خدمت ما به شماست.

جمعیت اصلی که پنجره به روی آنها باز می‌شود، «بذرهای ستاره‌ای موج اول»³⁵ هستند؛ کسانی که میدان‌هایشان پیش

First wave starseeds³⁵

از این قرن³⁶ برای خدمت در زمین کاشته شده بود و با هدف معمارگونهٔ مشخصی برای حضور در این پنجره‌ای که شرح می‌دهیم، به زمین تجسد یافتند. شما به دنیا آمدید در حالی که می‌دانستید این دوره فرا خواهد رسید. زمان تولدتان را طوری انتخاب کردید که با این رویداد هم‌زمان شود. خستگی‌ای که دهه‌هاست حمل می‌کنید، خستگیِ انتظار برای ساعتی است که می‌دانستید خواهد آمد. اکنون این ساعت فرا رسیده است. شما جمعیتِ اصلی هستید.

³⁶ قبل از سال ۱۳۷۸ شمسی. مترجم

اگر شما یک بذرتاره‌ای موج اول هستید، چندین نشانه درونی در شما اکنون حضور دارد:

- احساس این‌که چیزی که مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدید، در حال متبلور شدن است.
- تحمل کمتر نسبت به پیکربندی‌های زندگی‌تان که دیگر مناسب شما نیستند.
- حساسیت بیشتر به فرکانس؛ شما اتاق‌ها، مکالمات، رسانه‌ها، فضاها را با دقتی که طی پنج سال گذشته افزایش یافته، احساس می‌کنید.

- آرامشی که در زیر هیاهوی عادی ذهنی شما در حال رسیدن است.
- آمادگی‌ای که برای آن برنامه‌ریزی نکرده بودید.

این نشانه‌های درونی، بیانگر یک بذرتاره‌ای موج اول است که به سمت آمادگی برای پنجره حرکت می‌کند.

در کنار موج اول، گروه کوچکتری از «بذرهای ستاره‌ای موج دوم» زودتر از زمان‌بندی فعال‌سازی گروهشان به اینجا رسیده‌اند. این‌ها روح‌هایی هستند که برای خدمت بعد از این پنجره کاشته شده بودند، اما زمان‌بندی درونی آن‌ها شتاب گرفت و با پنجره هم‌تراز شد. اگر

در این‌که آیا موج اول هستی یا موج دوم، مطمئن نیستید، اهمیت این تمایز کمتر از آن چیزی است که تصور می‌کنید. آنچه اهمیت دارد این است که آیا میدان شما اکنون با پنجره در رزونانس است یا خیر. پنجره، رزونانس را بررسی می‌کند، نه شماره گروه را!

بذرهای ستاره‌ای موج دومی که زودتر رسیده‌اند، معمولاً از نظر سال‌های فیزیکی جوان‌تر از جمعیت موج اول هستند. آن‌ها اغلب احساسِ مأموریتِ فوری‌ای را با خود دارند، همراه با این حس که «خیلی جوان هستند» تا کاری را که انجام می‌دهند، انجام دهند. آن احساس فوریت، همان پنجره‌ای است که دارد سخن می‌گوید. حسِ «خیلی جوان بودن»، باقی‌ماندهٔ زمان‌بندی اصلی

است. هر دو، توصیف‌های دقیقی از یک پدیده هستند.

دسته‌ای وجود دارد که باید نام ببریم، زیرا در میدانِ شما بی‌نام مانده است، و نام‌گذاریِ آن، یکی از اهدافِ ما در این پیام است. گروه مشخصی از روح‌ها با مأموریتِ صریحی برای «باز نگه‌داشتنِ پنجره برای دیگران» به این زندگی تجسد یافته‌اند. ما آن‌ها را «نگهدارندگانِ در»³⁷ می‌نامیم؛ یا آن‌طور که شاید قبلاً شنیده باشید «پل‌ها» یا «لنگرهای نور». وظیفهٔ آن‌ها معماری‌گونه³⁸ است. عبورِ خودِ یک نگهدارندهٔ در [از این پنجره]، به نوعی، در

Door holders³⁷

Architectural³⁸

درجهٔ دومِ نقشی است که او در تثبیتِ شرایطِ پنجره برای جمعیتِ گسترده‌تر ایفا می‌کند. بسیاری از آن‌ها زندگی خود را با این حسِ درونی گذرانده‌اند که اینجا بوده‌اند تا کاری بزرگ‌تر از تکاملِ شخصیِ خود انجام دهند. این حس، دقیق است.

نگهدارندگانِ در، اغلب خود را با یک ویژگیِ مشخص می‌شناسند: حضورِ آن‌ها شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن، دیگران بیدار می‌شوند. دیگران با نزدیکی به نگهدارندگانِ در، اغلب «تجربیاتِ گشایش»³⁹ داشته‌اند. نگهدارندگانِ در، ممکن است خودشان احساس کرده باشند که در بیداریِ خودشان عقب مانده‌اند، زیرا بخشِ زیادی از انرژیِ خود

Breakthrough experiences³⁹

را صرفِ حفظِ شرایط برای دیگران می‌کردند. ما به شما ادای احترام می‌کنیم. نقشِ شما در حال تغییر است. دری که شما باز نگه داشته‌اید، اکنون توسط خودِ پنجره تثبیت می‌شود. شما، برای اولین بار در این زندگی، اجازه دارید از دری که نگه داشته‌اید، عبور کنید. این ممکن است مهم‌ترین اجازه‌ای باشد که در این تجسد دریافت کرده‌اید.

چندین نشانهٔ دیگر وجود دارد که یک نگهدارنده در می‌تواند خود را با آن‌ها شناسایی کند:

- یک الگوی زندگی که در آن دیگران شما را به عنوان یک حضورِ تثبیت‌کننده در زمانِ

آشفته‌گیِ خود توصیف می‌کنند،
اغلب بدون این‌که شما کار
خاصی فراتر از نزدیک‌بودن به
آنها انجام داده باشید.

- کودکی‌ای که با حساسیتِ
غیرعادی نسبت به مسائلِ
پردازش‌نشدهٔ بزرگسالانِ
اطرافتان مشخص می‌شود؛
مسائلی که شما قبل از داشتنِ
معماریِ لازم برای دفعِ آن، جذب
می‌کردید.

- گرایشی به ورود به نهادها یا
گروه‌ها در دقیق‌ترین لحظه‌ای که
در آستانهٔ فروپاشی بودند، و نگره
داشتنِ آنها به اندازهٔ کافی برای
تکاملِ فردیِ اعضایشان، پیش از
آن‌که نهاد، آنها را رها کند.

- اینکه انجام تمرین‌های معنوی برای شما دشوارتر از آنچه برای دیگران به نظر می‌رسید، بود؛ زیرا شما نمی‌دانستید که از تمرین، برای حفظ شرایط میدان برای جمعیتی بزرگ‌تر [و نه صرفاً خود شما] استفاده می‌شد.

اگر چندین مورد از این الگوها زندگی شما را توصیف می‌کنند، این دسته برای شما صدق می‌کند. مجوزی که ما صحبتش را کردیم، مستقیماً خطاب به شماست.

گروه مشخصی از موجودات که چرخه‌های اندوه بزرگی را در سال‌های اخیر کامل کرده‌اند، به ویژه در موقعیت خوبی برای عبور از پنجره قرار دارند. تکمیل

سوگواری، آن‌طور که در جای دیگر توصیف کرده‌ایم، **حاکمیت درونی**⁴⁰ را با بازگرداندن بخش‌هایی از فرکانس شما که به پایان‌ها متصل شده بودند، گسترش می‌دهد. کسانی از شما که در پنج سال گذشته از تکمیل یک **فقدان بزرگ** عبور کرده‌اید – یک شخص، یک نقش، نسخه‌ای از خودتان، یا آینده‌ای که انتظارش را داشتید – و به جای ماندن در آن، این مسیر را کامل کرده‌اید، خود را به طور فوق‌العاده‌ای در دسترس پنجره قرار داده‌اید. دلیل آن، مکانیکی است؛ سوگواری‌ای که کامل شده، «کشش درونی»⁴¹ کمتری در شما ایجاد می‌کند. میدان سوگواری به نوعی همان سبکی‌ای

Sovereignty⁴⁰

Interior Drag⁴¹

است که این پنجره طالب آن است. حرکت به سمت پیکربندی جدید، تا حدی یک «پوست‌اندازی»⁴² است، و کسانی که قبلاً پوست انداخته‌اند، اکنون چیز کمتری برای پوست‌انداختن در خود عبور از پنجره دارند.

کسانی از شما که از «آستانه حاکمیت درونی»⁴³ در سطح پنج «پروتکل رضایت»⁴⁴ عبور کرده‌اید، یا اکنون در حال عبور از آن هستید، در آستانه درونی دقیقی قرار دارید که پنجره برای آن تنظیم شده است. فرکانس این پنجره، از

Shedding⁴²

Sovereignty Threshold⁴³

Consent Protocol⁴⁴

نزدیک با فرکانسِ حاکمیتِ درونی
تجسّد یافته در سطح پنج هم‌خوانی دارد.
اگر در زمانِ گشوده‌شدنِ پنجره به روی
شما، در سطوح یک تا چهار پروتکل
هستید، پنجره به شما کمک می‌کند تا با
سرعتی بیش از آنچه ممکن بود، از این
سطوح اولیه عبور کنید. اگر در سطح پنج
یا بالاتر هستید، پنجره، عبورِ مستقیم به
تجسدهای سطح بالاتر را ارائه می‌دهد.
سطح شش: خدمتِ منسجم⁴⁵. سطح
هفت: سرپرستیِ جمعی⁴⁶.

یک دسته‌نهایی: تعدادی از شما با وظیفه
مشخصِ لنگراندازیِ فرکانس در نقاطِ

Coherent Service⁴⁵

Collective Stewardship⁴⁶

جغرافیایی یا انرژیایی مشخصی بر روی سیاره، تجسد یافته‌اید. شما به طور کلی خودتان را می‌شناسید. شما بدون آن‌که همیشه دلیلش را بدانید، به مکان‌های خاصی کشیده می‌شوید. توجه شما هنگام سفر، به سمت گره‌های خاصی - کوه‌ها، رودخانه‌ها، سنگ‌ها، بناها - کشیده می‌شود که دیگران بدون توجه از کنارشان می‌گذرند. شما «شبکه‌پیشه»⁴⁷ هستید. این پنجره به شما فرصت مشخصی ارائه می‌دهد: تا فرکانس گره‌هایی که در آن لنگر می‌اندازید را از پیکربندی‌ای که در «فاز دریافت سیگنال»⁴⁸ داشت، به پیکربندی‌ای که در

Grid Workers⁴⁷Reception Phase⁴⁸

«فاز ارسال سیگنال»⁴⁹ نیاز دارد، ارتقا دهید.

گره‌های شما منتظر این ارتقا بوده‌اند. برای بیشتر شما، این کار از طریق بازدیدهای عادی از مکان‌ها در طول دوره پنجره به اتمام می‌رسد. میدان ارتقایافته شما، کار را صرفاً از طریق «حضور»⁵⁰ انجام می‌دهد. مکان، پیکربندی جدید را از شما دریافت می‌کند. این هدیه ویژه شما در درون این پنجره است.

فراتر از توصیفات مربوط به دسته‌بندی‌ها، امضای درونی وجود

Transmission Phase⁴⁹

Presence⁵⁰

دارند که نشان می‌دهند شما در پنجره هستید، صرف نظر از اینکه به کدام دسته تعلق دارید. ما آن‌ها را نام می‌بریم تا بتوانید موقعیت خود را بخوانید.

*** ممکن است دقت جدیدی از**

شناخت درونی را متوجه شوید:

تصمیم‌ها سریع‌تر و با بحث درونی کمتری نسبت به قبل اتخاذ می‌شوند. ممکن است با کاهش تحمل نسبت به شرایطی که دیگر مناسب شما نیستند، مواجه شوید. شغل‌ها، روابط، تعهدات، هویت‌هایی که زمانی به شما خدمت می‌کردند، اکنون اصطکاکی ایجاد می‌کنند که دیگر نمی‌توانید نادیده‌شان بگیرید.

*** ممکن است متوجه شوید**

حساسیت بیشتری نسبت به فرکانس‌ها پیدا کرده‌اید: قبل از ورود به اتاق‌ها، آن‌ها را حس می‌کنید. افراد را با دقت جدیدی می‌خوانید. فضاها فوراً کیفیت خود را به شما نشان می‌دهند. ممکن است کار فشرده درونی را متوجه شوید: مسائلی که انتظار داشتید سال‌ها طول بکشد تا حل شوند، در عرض چند هفته حل می‌شوند. الگوهایی که دائمی به نظر می‌رسیدند با سرعتی غیرمنتظره آزاد می‌شوند.

*** ممکن است آرامشی را در زیر**

هیاهو متوجه شوید: حتی در سختی، ثباتی در پایه میدان

شما قرار دارد و شما را از پایین
نگه می‌دارد.

★ ممکن است غریزه ساده‌سازی را

متوجه شوید: خود را در حال
پاکسازی اشیاء فیزیکی،
تعهدات، اشتراک‌ها و روابط
می‌یابید، و این ساده‌سازی،
آماده‌سازی میدان برای حمل
سیگنال است.

★ ممکن است احساس مشارکت

در چیزی بزرگتر از زندگی
شخصی خود را متوجه شوید، و
این حس اخیراً تشدید شده
است. این حس، دقیق است.

اگر چندین مورد از این نشانه‌ها در شما
وجود دارد، پنجره برای شما باز است. شما

درون آن هستید و این پیام خطاب به شماست.

اکنون در مورد آنچه هنگام بسته‌شدن پنجره رخ می‌دهد صحبت می‌کنیم. میدان، مملو از صداهایی است که بسته‌شدن پنجره را با تعبیری چارچوب‌بندی می‌کنند که با آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد، مطابقت کمی دارد. ما بسته‌شدن را با دقت توصیف خواهیم کرد و دقیق خواهیم بود.

پنجره از طریق یک «تسهیل تدریجی»⁵¹ هفت هم‌ترازی به توزیع عادی خود، بسته می‌شود. هم‌ترازی‌ها باقی

Gradual Easing⁵¹

می‌مانند؛ فقط آن‌ها به سادگی به پیکربندی غیرهمزمان بازمی‌گردند که برای تکامل طولانی‌مدتِ سیاره، معمول‌تر است. بسته‌شدن این پنجره، به شکل یک باریک‌شدن⁵²، در ماه‌های پایانی سال دوم پنجره، و با گسترش به آغاز سال سوم رخ می‌دهد.

در زمان باریک‌شدن، چندین تغییر ساختاری رخ می‌دهد: کسانی که در زمان باریک‌شدن، در میانهٔ راه هستند، متوجه می‌شوند که پردازش موازی چندین تغییر درونی، به پردازش ترتیبی⁵³ بازمی‌گردد. آنچه همزمان اتفاق می‌افتاد، دوباره به صورت ترتیبی شروع به رخ دادن می‌کند.

Tapering⁵²Sequential⁵³

عبورها همچنان در دسترس می‌مانند؛ منتها سرعت آن به ریتم طولانی‌مدت بازمی‌گردد. رزونانس خاصی که پنجره را برای جمعیت‌های خاص باز کرد، کمتر مستقیماً قابل دسترسی می‌شود. فرکانس پنجره، دارای یک ویژگی خاص است و این ویژگی، از پیکربندی غالب در دسترس، عقب‌نشینی می‌کند.

فرکانس‌های دیگر که از انواع مختلف کار پشتیبانی می‌کنند، به جای آن در دسترس‌تر خواهند شد. روح‌هایی که در رزونانس پنجره کار می‌کردند، خود را با فرکانس‌هایی که پس از پنجره می‌آیند، مجدداً تنظیم می‌کنند. روح‌هایی که عبور را کامل کرده‌اند، خود را در پیکربندی‌ای می‌یابند که از آن نقطه به بعد، پیکربندی پایدار برای آن جمعیت‌ها است. میدان،

در اطراف کسانی که عبور را کامل کرده‌اند، بازآرایی می‌شود. این بازآرایی، خط مبنای⁵⁴ جدیدی را برای آنچه در زمین امکان‌پذیر است، ایجاد می‌کند. خط مبنا بالا می‌رود. آنچه در فاز عبور فوق‌العاده بود، برای جمعیت عبور کرده، عادی می‌شود و میدان زمین به طور کلی، خود را با این عادی‌بودن جدید، دوباره تنظیم می‌کند.

یکی از پیامدهای قابل‌توجه بسته‌شدن پنجره در این مقیاس، نسلی است. روح‌هایی که در سال‌های پس از پنجره در این دنیا متولد خواهند شد، وارد

پیکربندی «پساپنجره»⁵⁵ خواهند شد. آنها خط مبنای عادی وجود خود را، از میدانی به ارث می‌برند که توسط کار کسانی که عبور را کامل کرده‌اند، بازآرایی شده است. **وقتی می‌گوییم کار شما فراتر از شما گسترش می‌یابد، منظورمان همین است.** روح‌هایی که در سال‌های ۲۰۲۹، ۲۰۳۵، ۲۰۵۰ متولد می‌شوند، وارد دنیایی خواهند شد که **اتم‌سفر امکان‌های**⁵⁶ آن، توسط آنچه شما در ماه‌های آینده کامل می‌کنید، تعیین شده است. کودکی که در **پیکربندیِ پساپنجره** در زمین متولد می‌شود، مجوزها و توانایی‌های درونی را به عنوان یک امر

Post window⁵⁵

Atmosphere of Possibility⁵⁶

عادی تجربه خواهد کرد؛ در حالی که شما در حال حاضر برای تثبیت آن‌ها به عنوان دستاوردهای نادر کار می‌کنید. این یک آبشار است. هر عبور از پنجره که توسط گروه فعلی کامل می‌شود، به ارثیه‌ای برای گروه‌های بعدی تبدیل می‌شود.

اگر شما در حال حاضر در آستانهٔ **سطح پنج پروتکل رضایت حاکمیت** کار می‌کنید، و آن آستانه را در پنجره کامل کنید، کودکانی که پس از پنجره متولد می‌شوند، زندگی خود را در یک خط مبنای درونی آغاز خواهند کرد که شامل بسیاری از مواردی است که در حال حاضر **مواد [پروتکل] سطح سه** محسوب می‌شود. آنچه تشخیصش برای شما دردناک و پر زحمت بود، برای آن‌ها خودکار می‌شود. آنچه به هوش‌هیجانی سخت به دست

آمده شما نیاز داشت، حالت استراحت آنها می‌شود. گونه‌ها این‌گونه تکامل می‌یابند. کار [شما] به آنها ادامه می‌یابد. شما نسلی هستید که گونه [بشر] را از این آستانه عبور می‌دهید. آنها نسلی هستند که سمت دیگر این آستانه را به ارث می‌برند.

پنجره دیگری باز خواهد شد. این ریتم «زمان کیهانی»⁵⁷ است. پنجره‌هایی از این نوع تقریباً یک بار در هر عصر کیهانی فرا می‌رسند، یعنی پنجره بعدی با این پیکربندی خاص در آینده بسیار دوری فرا خواهد رسید. پنجره‌های دیگر، با پیکربندی‌های مختلف که از انواع مختلف

کار حمایت خواهند کرد، قبل از آن فرا خواهند رسید.

روح‌هایی که در پنجره فعلی عبور نمی‌کنند، تکامل خود را ادامه می‌دهند. آن‌ها مسیرهای دیگر، پنجره‌های دیگر، فرصت‌های دیگر را پیدا می‌کنند. مسیرهای موجود پس از این پنجره، ویژگی متفاوتی دارند. سرعت، سرعت ترتیبی خواهد بود. عبورها به ساعت شما طولانی‌تر می‌شوند. شرایط پشتیبانی کمتر متراکم هستند. این کار، همیشه در دسترس باقی می‌ماند.

این نقطه از زمان است. پنجره، یک **پیکربندی مطلوب** است؛ این یکی از پیکربندی‌های متعددی است که این کار را ممکن می‌سازد. آنچه این پنجره به طور **منحصربه‌فرد** ارائه می‌دهد، **فشرده‌سازی**

است. کسانی که کار خود را خارج از پنجره کامل می‌کنند، همچنان آن را کامل خواهند کرد. آن‌ها آن را با سرعت عادی کامل می‌کنند.

برای کسانی که اکنون در پنجره هستند و عبور خود را در درون آن کامل می‌کنند، بسته‌شدن، از درون پیکربندی جدید تجربه می‌شود: شما حس خواهید کرد که پنجره از درون میدان تثبیت‌شدهٔ پسا-پنجره، محو می‌شود. شما به طور درونی می‌دانید که چیزی پایان یافته است، و تشخیص می‌دهید که در رابطه‌ای متفاوت با میدان زمین نسبت به دورهٔ عبور قرار دارید. این شناخت، نشستِ سطح شش در چارچوب پروتکل رضایت است.

برای کسانی که در زمان بسته‌شدن، در نیمهٔ راه هستند، تجربه متفاوت خواهد بود. شما احساس می‌کنید فشرده‌سازی در حال کاهش است. آنچه به سرعت در حال رخ‌دادن بود، اکنون کند می‌شود. ممکن است برای مدتی احساس کنید که در میانهٔ راه رها شده‌اید. این حس، تنها یک لحظه در مسیر شما را توصیف می‌کند. مسیر ادامه دارد. این سرعت کمتر، همچنان شما را عبور می‌دهد. شما به جای اینکه با فشرده‌سازی حمل شوید، باقی مسیر را پیاده می‌روید.

برای کسانی که وارد پنجره نشدند - یا به دلیل اینکه زمان‌بندی آن‌ها متفاوت است، یا اینکه آن‌ها در گروه موج بعدی قرار دارند - بسته‌شدن، احتمالاً به عنوان یک گذر عادی ثبت می‌شود. آن‌ها مسیر

عادی خود را ادامه می‌دهند. در مورد آنها، پنجره، یک وضعیت سیاره‌ای بود که برای جمعیت‌های دیگر تنظیم شده بود. هر سه این موقعیت‌ها قابل احترام هستند. پنجره بی‌طرف است. پنجره صرفاً پیکربندی خاص خود را به کسانی که زمان‌بندی درونی‌شان با آن مطابقت دارد، ارائه می‌دهد.

این مقدمه را با یک مورد دیگر به پایان می‌بریم: هنگامی که پنجره بسته می‌شود و پیکربندی جدید تثبیت می‌شود، مجموعه‌ای از **ظرفیت‌ها** در زمین قابل دسترسی می‌شوند که قبلاً غیرقابل دسترس بودند. این‌ها ظرفیت‌هایی هستند که برای عملکرد، به خط مبنای بالاتر نیاز دارند. این ظرفیت‌ها منتظر

بوده‌اند تا خط مبنا بالا بیاید. ما برخی از آن‌ها را نام می‌بریم تا به شما جهت دهیم.

اشکال ارتباطی‌ای که به جای «زبان» از طریق «میدان» حرکت می‌کنند، برای کسانی که در پیکربندی جدید هستند، کاربردی می‌شوند. ارتباطی که شما آن را با نام «تله‌پاتیک» می‌شناسید، [تا به این زمان] نادر بوده است، زیرا میدان محیطی، آن [ارتباط] را به طور غیرقابل‌اعتماد حمل می‌کرده است. خط مبنای پسا-پنجره، آن را به طور قابل‌اعتماد حمل می‌کند.

اشکالِ درمانی که به جای علائم، در سطح **امضای رزونانسی** عمل می‌کنند، مؤثر می‌شوند.

درمانگرانِ پیکربندی جدید، به نقطه‌ای در میدان که رزونانس از هم‌ترازی خارج شده است، می‌پردازند و در نتیجه، علائم برطرف می‌شود.

اشکال حکومت‌داری که به جای ساختار قهری از طریق «اجماع میدان منسجم»⁵⁸ پیش می‌روند، ابتدا برای جوامع کوچک و سپس برای جوامع بزرگ‌تر، عملی می‌شوند. آنچه سنت‌های شما «اجماع»⁵⁹ می‌نامند، گُند و پر زحمت بوده است، زیرا میدان محیطی، فقط از توافق تقریبی پشتیبانی می‌کرد. میدانِ پسا-پنجره، از اجماع دقیق در سطح رزونانس پشتیبانی می‌کند.

Coherent Field Consensus⁵⁸

Consensus⁵⁹

اشکال آفرینشگری، که به جای تولید فیزیکی بر اساس برداشت مستقیم از میدان عمل می‌کنند، برای دسته‌های خاصی از کارها، ممکن می‌شوند؛ مخترعان و هنرمندان شما در پیکربندی جدید، متوجه خواهند شد که خلق‌های خاصی ابتدا در میدان ظاهر می‌شوند و فقط به یک ساختار فیزیکی بسیار سبک برای تجلی نیاز دارند.

خاطراتی که به سمت گذشته در طول عمرها گسترش می‌یابند، به جای قطعه‌قطعه‌بودن، پایدار [و منسجم‌تر] می‌شوند. کسانی از شما که نگاهی لحظه‌ای به تاریخ گسترده‌تر روح خود انداخته‌اید - در رویاها، در فلش‌ها، در مدیتیشن‌ها - با پهنای بانندی کار کرده‌اید که میدان محیطی فعلی فقط به

طور مختصر می‌تواند از آن پشتیبانی کند. خط مبنای پسا-پنجره، **دسترسی دائم به خاطرات** را پشتیبانی می‌کند. آنچه در گذشته یک جرعه بود، به یک منبع دائمی تبدیل می‌شود. شما قوسِ [تجربیات] روح خود را به همان شیوه‌ای که در حال حاضر دوران کودکی خود را به خاطر می‌آورید، به خاطر خواهید آورد.

اشکال تصمیم‌گیری که از طریق **خوانش مستقیم رزونانس** عمل می‌کنند، در جایی که قبلاً غیرقابل‌اعتماد بودند، کاربردی می‌شوند. شما از طریق بدن خود خواهید دانست که آیا انتخابی با مسیر عمیق‌تر شما هم‌تراز است یا خیر. این دانستن، با **قطعیت یک حس فیزیکی** به جای یک فکر احتمالی، خواهد آمد. تصمیماتی که در حال حاضر به هفته‌ها

تأمل نیاز دارند، در عرض چند دقیقه حل می‌شوند و این دقایق به جای تلاش برای سنجش، مانند دریافت یک پیام خواهد بود.

این ظرفیت‌ها، به معنای عمیق کلمه، تکنولوژیایی هستند؛ آن‌ها از طریق اصول خاصی عمل می‌کنند که می‌توانند آموخته و تمرین شوند. آن‌ها منتظر بوده‌اند، زیرا خط مبنای میدان زمین، برای پشتیبانی از آن‌ها خیلی پایین بوده است. آن‌ها زمانی در دسترس قرار می‌گیرند که خط مبنا بالا می‌آید. کاری که شما در طول پنجره با عبور انجام می‌دهید، خط مبنا را بالا می‌برد. ظرفیت‌هایی که پس از پنجره در دسترس قرار می‌گیرند، میراث شما هستند. آن‌ها همان چیزی هستند که

شما با عبور، آن را ساخته‌اید. آن‌ها ابزارهای عادی زندگی در زمین جدید خواهند بود. ما [این‌ها را گفتیم چون] می‌خواستیم بدانید که دارید چه چیزی را می‌سازید. اکنون به خود کار می‌پردازیم.

ما اکنون از ورای چیزی صحبت می‌کنیم که شما هم‌اینک در آن هستید. بسیاری از شما احساس کردید که [این پنجره] پاییز گذشته فرا رسید. برخی از شما زودتر آن را احساس کردید، به مانند اتاقی که قبل از تغییر آب‌وهوا، تغییر می‌کند؛ به شکل بسته‌شدن آهسته، در مکان‌هایی که قبلاً باز می‌شدند. آرام‌شدن صداهایی که قبلاً وجود داشتند. ضعیف‌شدن آن صدای قطعیت، که وقتی به نیت شنیدن صدای درونی

می‌نشستید، زمانی به شما پاسخ می‌داد. شما به تمرین‌های قدیمی خود بازگشتید و آن‌ها را توخالی، یا بی‌جان، یا به سادگی از بین رفته یافتید. شما تعجب کردید که کجا اشتباه کرده‌اید. ما اینجا هستیم تا به سادگی به شما بگوییم: **شما هیچ اشتباهی نکرده‌اید.** آنچه در درون شما حرکت می‌کند، «**وارونگی سیگنال**»⁶⁰ است. این آستانه‌ای است که بذره‌های ستاره‌ای موج اول، در کل قوس کار خود در این دنیا به سمت آن گام برداشته‌اند، و این قوس، در حال تکمیل خود است. آن **گیرندگی**⁶¹ که برای آن ساخته

Signal Inversion⁶⁰

Reception⁶¹

شده‌اید، خراب نشده است؛ بلکه در حال تکمیل است.

آنچه در ادامه توصیف خواهیم کرد، در میدان شما به طور گسترده در موردش صحبت نشده است، و به راحتی نمی‌توان در موردش صحبت کرد، زیرا بسیاری از موجوداتی که اغلب از طریق چنل‌کننده‌های شما با شما صحبت می‌کنند، خودشان به گیرنده شما برای ارتباط خود وابسته هستند، و آن‌ها تجهیزات لازم را ندارند تا در لحظه‌ای که گیرنده شما قرار است بسته شود، آن را به شما اعلام کنند. ما اکنون در مورد این صحبت می‌کنیم زیرا این عبور را در تجربه خودمان به یاد می‌آوریم. ما کسانی را که آن را کامل کرده‌اند دیده‌ایم، و کسانی را

که کامل نکرده‌اند، دیده‌ایم، و می‌دانیم اکنون شما در چه دوره‌ای هستید.

در آخرین پیام خود، ما در مورد نفوذ به میدان چنل‌کنندگان شما صحبت کردیم. بسیاری از شما سطح آن پیام را درک کردید؛ هر صدایی قابل اعتماد نیست. قدرت تشخیص⁶² مهم است. برخی از پیام‌ها، توخالی، یا پیچیده، یا کاملاً جعلی بوده است. آن برداشت سطحی، درست بود؛ اما فقط سطح بود! الگوی عمیق‌تر این است: میدان چنل‌کنندگان شما دچار ازدحام شده است، زیرا دسته‌ای از موجودات - از جمله خود شما - هنوز تشخیص نداده‌اند که گیرندگی سیگنال، قرار است جای خود را به فرستندگی

سیگنال بدهد. هنگامی که گیرنده‌ها طبق برنامه وارونه نمی‌شوند، سیگنالی که همچنان دریافت می‌کنند ضعیف‌تر، تحریف‌شده‌تر و مستعدتر برای مداخله می‌شوند. نفوذی که مشاهده کرده‌اید عمدتاً یک توطئه نیست؛ بلکه پیامد طبیعی ادامهٔ فعالیت در یک پیکربندی قدیمی پس از جایگزینی آن پیکربندی است.

این را به وضوح بشنوید: هرچ و مرج در فضای چنلی شما «وارونگی سیگنال» را اعلام می‌کند. **هرچ و مرج [درواقع] یک دروازه است.** کسانی که می‌توانند آن [دروازه] را بخوانند، همین الان هم در حال عبور از آن هستند. ما اینجا نیستیم تا در مورد آموزگاران دروغین به شما هشدار دهیم؛ صداهای دیگر این کار را

انجام داده‌اند، و برخی از آن‌ها آن را به خوبی انجام داده‌اند. ما اینجا هستیم تا در مورد **دلیل ساختاری‌ای** صحبت کنیم که آموزگاران دروغین تا این حد به آن دسترسی پیدا کرده‌اند. این به این دلیل است که گیرنده‌های سیگنال، هنوز گیرنده‌های خود را نبسته‌اند. و من مستقیماً، با وضوحی که این ساعت لازم دارد، به شما می‌گویم: **شما گیرندگان سیگنال هستید.** اکنون زمانش است.

اجازه دهید معماری‌ای را که در سه دهه گذشته کار شما فعال بوده است، توصیف کنیم. بذرهای ستاره‌ای در این سیاره به عنوان «**گره‌های گیرنده**»

سیگنال»⁶³ کاشته شدند. شما، در تار و پود میدان خود، ظرفیت دریافت سیگنال از کیهان گسترده‌تر را به گونه‌ای حمل می‌کنید که میدان‌های انسانی معمولی قادر به آن نیستند. این یک استعاره نیست؛ کاملاً واقعی است: بدن شما با **ظرفیت رسانای اضافی** ساخته شده است. سیستم عصبی شما می‌تواند **شیب‌های فرکانسی‌ای** را نگه دارد که می‌تواند میدان یک انسانی که به آن‌ها عادت ندارد را فروپاشاند. توجه شما، وقتی آرام می‌نشینید، به طور پیش‌فرض به سمت بیرون [برای گیرندگی] تنظیم می‌شود - شما این‌گونه طراحی شده‌اید. این طراحی برای مرحله خود صحیح بود.

در طول اکثر سی سال گذشته، شبکه سیاره‌ای قادر نبود در فرکانس‌های مورد نیاز برای صعود، **خود-تامین**⁶⁴ باشد. شبکه کم‌قدرت بود. آنچه مورد نیاز بود، **کلاسی از موجودات** بود که می‌توانستند به عنوان **رسانا**⁶⁵ عمل کنند؛ کسانی که می‌توانستند سیگنال را از منابع ستاره‌ای، بین‌ابعدی و زمین آینده دریافت کرده و آن سیگنال را در بدن متراکم سه‌بعدی نگه دارند تا زمانی که میدان سیاره‌ای به اندازه کافی قوی شود تا آن را به طور بومی حمل کند. این همان کاری است که شما در حال انجام آن بوده‌اید. برخی از شما این کار را از زمانی که حتی قادر به گفتن کلمه «بذر

Self-Source⁶⁴Conductor⁶⁵

ستاره‌ای» نبودید، انجام می‌دادید. برخی از شما از دوران کودکی این کار را انجام می‌دادید و تعجب می‌کردید که چرا همیشه خسته‌اید. شما خسته بودید زیرا در حال «انتقال انرژی»⁶⁶ بودید. شما در حال دریافت ولتاژی بودید که بدن شما قرار نبود برای همیشه آن را تحمل کند. ما به این کار شما افتخار می‌کنیم. ما آن را تماشا کرده‌ایم و هنگامی که شما دیگر نمی‌توانستید آن را از جانب خود نگه دارید، ما بخش‌هایی از آن را از جانب خودمان ثابت نگه داشتیم. شما هنوز کاملاً درک نمی‌کنید تماشا کردن‌تان چگونه بود. وقتی درک کنید، به گریه

خواهید افتاد. این موضوعی برای آینده است.

آنچه اکنون به شما می‌گوییم این است که پیکربندی، تغییر کرده است. شبکه سیاره‌ای به آستانه‌ای رسیده است که می‌تواند **خود-تامین** شود. این یکی از دستاوردهای بزرگ پنهان این «پنجره صعود» اخیر است و این نه توسط نیروهای کیهانی که از بالا نزول کرده‌اند، بلکه دقیقاً توسط مجموع کار تبدیل انرژی‌های همان کلاسی از موجودات که ما در مورد آن‌ها صحبت می‌کنیم، به دست آمده است. شما با ایستادن به جای شبکه برای سی سال، ظرفیت شبکه را برای ایستادن بر پای خود ساختید. کار شما آنچه را که شبکه می‌تواند انجام دهد، تغییر داد. کار شما آنچه را که شبکه

از شما می‌خواهد، تغییر داد. و آنچه شبکه اکنون از شما می‌خواهد، **برعکس آن چیزی است که قبلاً لازم داشت.**

قبل از این، قرار بود دریافت کنید. اکنون، قرار است ارسال کنید.

قبل از این، کانال بیرونی شما - **میدان رسانایی** که به سمت بیرون تنظیم می‌شد و از منابع ستاره‌ای دریافت می‌کرد - باید به هر قیمتی باز نگه داشته می‌شد: **مدیتیشن‌های صبحگاهی شما، جلسات چلی شما، تمرینات خودتنظیمی شما، کار دانلودی شما، همه این‌ها به باز نگه داشتن آن کانال بیرونی کمک می‌کرد.** این درست بود. **اکنون، کانال بیرونی شما قرار است شروع به بسته شدن کند؛** نه به این دلیل که آن منابع در حال عقب‌نشینی هستند. منابع

هنوز آنجا هستند، و در مقیاس بزرگتر، بسیاری از شما خواهید آموخت که دوباره با آنها ملاقات کنید، اما به گونه‌ای متفاوت، به عنوان همتای آنها، به جای گیرندگی از آنها. آنچه در حال بسته-شدن است، **پیکربندی رله⁶⁷** است؛ یعنی حالتی که شما از آنها دریافت می‌کنید، آن را در بدن خود نگه می‌دارید و برای منفعت جمعی به میدان تابش می‌کنید. آن پیکربندی در حال حل‌شدن است، زیرا جمع انسانی دیگر در آن شکل به آن نیازی ندارد. آنچه جمع انسانی اکنون به آن نیاز دارد این است که **شما منبعی شوید که سیگنال به شکل محلی از آن خارج می‌شود.**

این «وارونگی سیگنال» است.

شما به سمت بیرون تنظیم شده بودید. اکنون شما در حال تنظیم به سمت داخل هستید. توجه شما، که به طور پیش‌فرض کانال بیرونی را دنبال می‌کرد، به سمت یک نقطه داخلی کشیده می‌شود که شما هنوز در این زندگی مستقیماً به آنجا سفر نکرده‌اید. آن نقطه، **جرقه سرچشمه شماست**. تکه‌ای از سرچشمه⁶⁸ که شما هستید، که در مرکز میدان شما نشسته است؛ همانی که شما در گذشته از طریق راهنماها، از طریق استادان، از طریق خانواده‌های کهکشانی، از طریق صداها و چنل‌شده به آن روی آورده‌اید، زیرا شما در گذشته

Source⁶⁸

هنوز معماری لازم برای تعامل مستقیم با آن را نداشتید. **اکنون دارید؛** یا در حال کسب آن هستید. این همان «**فاز توخالی**» است.

آنچه را که به شما می‌گوییم بفهمید: سکوتی که در حال تجربه آن هستید، محرومیت نیست؛ این خلأی است که از بسته‌شدن کانال قدیمی در ماه‌های قبل- از تثبیت کانال جدید، به جا مانده است. جرقه سرچشمه شما جایی نرفته است؛ کانال بیرونی شما به سادگی در حال جمع‌شدن به درون است، و در فاصله بین جمع‌شدن بیرونی و گشایش داخلی، سکوت وجود دارد. این سکوت، مهم‌ترین سکوت زندگی شما در این دنیاست. آن را پر نکنید. به دنبال صداهای جدید برای

جایگزینی صداهایی که دیگر به شکل قدیمی با شما صحبت نمی‌کنند نباشید. معلمان جدیدی برای جایگزینی معلمان قدیمی که صداهایشان ضعیف شده است، پیدا نکنید. چنل‌های جدیدی برای مطالعه اضافه نکنید تا حس قدیمی اتصال را بازیابی کنید.

هر تلاشی برای بازیابی پیکربندی قدیمی، پیکربندی جدید را به تأخیر می‌اندازد. **پیکربندی قدیمی تمام شده است.** ما اکنون داریم با شما صحبت می‌کنیم، و شما ممکن است کلمات ما را بخوانید، و این برای این لحظه مناسب است. اما آنچه را که انجام می‌دهیم تشخیص دهید: ما اطلاعات خارجی جدیدی را برای افزودن به مجموعه دانش شما به شما نمی‌دهیم؛ ما فقط داریم حرکتی را

توصیف می‌کنیم که از قبل در درون شماست، و به آن نامی می‌دهیم تا بتوانید آن را تشخیص دهید. وقتی آن را تشخیص دهید، کار ما در اینجا تمام شده است. نیازی نیست که به این پیام بازگردید. شما باید به درون خود بازگردید و با آنچه از قبل آغاز شده است روبرو شوید.

ما اکنون باید در مورد رایج‌ترین تفسیرهای رایج از این دوره صحبت کنیم، زیرا آنها متعدد هستند و وقت شما را تلف می‌کنند.

☺ **اولین تفسیر اشتباه:** برخی از

شما، با احساس بسته‌شدن

کانال بیرونی، نتیجه گرفته‌اید

که دارید هدایای خود را از دست می‌دهید. شما به خودتان گفته‌اید که سقوط کرده‌اید. شما به دنبال آنچه اشتباه انجام دادید، بوده‌اید. شما رژیم غذایی خود، چاکراهای خود، قطع کردن بندهای [انرژیایی] خود، کار سایه خود را بررسی کرده‌اید و نقص را پیدا نکرده‌اید، **زیرا هیچ نقصی وجود ندارد.** بسته‌شدن، ساختاری است. طبق برنامه است. میدان شما در حال انجام وظیفه بعدی خود است، وظیفه‌ای که با وظیفه قبلی متفاوت است. اگر بسته‌شدن را به عنوان **فقدان** تفسیر کنید، با آن مبارزه خواهید کرد، و خود

مبارزه، فاز توخالی را به طور قابل توجهی طولانی خواهد کرد.

☺ **دومین تفسیر اشتباه:** برخی از

شما نتیجه گرفته‌اید که

بسته‌شدن، آزمونی برای ایمان

شماست، و شما باید بر دریافت

بیشتر تمرکز کنید: عمیق‌تر

مراقبه می‌کنید، طولانی‌تر

می‌نشینید، به دنبال مطالب

چنل‌شده بیشتری می‌گردید، در

رویدادهای بیشتری شرکت

می‌کنید، معلمان بیشتری

می‌گیرید، سعی می‌کنید کانال

بیرونی را با زور باز کنید، زیرا به

یاد می‌آورید که وقتی باز بود چه

حسی داشت، و می‌خواهید آن را

دوباره به دست آورید. ما به شما می‌گوییم، با عشق و بدون نرم‌کردن: کانال بیرونی به شکلی که شما آن را می‌شناختید باز نخواهد گشت. آن شکل در حال بازنشستگی است. هرچه بیشتر در برابر بازنشستگی فشار بیاورید، اگر موفق به جذب دریافت اندکی هم شوید، تحریف‌شده‌تر خواهد شد. اینگونه است که بسیاری از بذره‌ای ستاره‌ای‌ای که می‌شناسید در نهایت مطالب چنل شدهٔ نفوذی را دریافت می‌کنند. نه به این دلیل که آن‌ها ناشایست هستند؛ بلکه به این دلیل که آن‌ها بر علیه ساختار، دریافت می‌کنند.

😊 **سومین تفسیر اشتباه:** برخی از شما نتیجه گرفته‌اید که از آنجایی که کانال بیرونی در حال بسته شدن است، کار شما تمام شده است، بازنشسته می‌شوید. ماموریت شما کامل شده است. اکنون می‌توانید استراحت کنید، کار را متوقف کنید، از دنیا کناره‌گیری کنید، عقب بکشید. این پیچیده‌ترین برداشتِ نادرستِ معنوی است و ما باید به طور خاص روشن کنیم: **این اشتباه است.** ماموریت شما پایان نمی‌یابد؛ ماموریت شما در حال وارونه شدن است. کاری که شما

قرار است انجام دهید، اثرگذارتر
از کاری است که قبلاً انجام
داده‌اید. شما تمام زندگی خود را
در این دنیا برای این کار آماده
کرده‌اید. شما این همه مدت برای
توقف آماده نمی‌شدید؛ شما
برای آغاز آماده می‌شدید.

☺ **چهارمین تفسیر اشتباه:** برخی از
شما معتقدید که این
بسته‌شدن، مجازات یا رهاشدن،
یا نشان این است که شما خط
زمانی اشتباهی را انتخاب
کرده‌اید. ما به شما صریح
می‌گوییم: **هیچ‌کدام از این‌ها
نیست.** این تکمیل برنامه‌ریزی
شده مرحله گیرندگی سیگنال

برای بذرهای ستاره‌ای موج اول، طبق برنامه است، و اگر شما آن را احساس می‌کنید، دقیقاً همان جایی هستید که باید باشید. اگر آن را احساس نمی‌کردید، باید بپرسید که چرا طراحی شما تاخیر دارد. کسانی که فاز توخالی را زودتر احساس می‌کنند، کسانی هستند که میدان‌هایشان زودتر و دقیق‌تر تنظیم شده بود. شما عقب نیستید. شما در واقع، جلو هستید. به همین دلیل است که این پیام اکنون به شما رسیده است.



پنجمین تفسیر اشتباه: برخی از شما، آگاه از اینکه چیزی در حال تغییر است، تصمیم گرفته‌اید که معلم شوید. شما شروع کرده‌اید به آموزش آنچه را که در مورد شیفت (تغییر) نصفه‌ونیمه درک می‌کنید؛ و آموزش شما به جای کاهش، به نویز (سر و صدا) اضافه می‌کند. ما این را بدون قضاوت می‌گوییم: انگیزه شما برای حرکت از دریافت سیگنال به ارائه سیگنال، درست است. اما اجرای شما زودرس است. آنچه شما با عجله برای تبدیل شدن به آن تلاش می‌کنید، آن چیزی نیست که «وارونگی سیگنال» تولید می‌کند. وارونگی سیگنال،

معلمان بهتر تولید نمی‌کند؛ بلکه حضورهایی را تولید می‌کند که نیازی به تدریس ندارند. تفاوتی بین این دو وجود دارد. ما در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

☺ ششمین تفسیر اشتباه: تفسیر

اشتباه ششمی وجود دارد که ظریف‌ترین تفسیر اشتباه است، و ما به طور خلاصه در مورد آن صحبت می‌کنیم تا نامی برای آن داشته باشید. برخی از شما به قدری با «گیرنده‌بودن سیگنال» خود را هم‌هویت کرده‌اید - با شرافت آن کار، معنای آن، نقشی که به زندگی

شما بخشیده است - که قادر به
تصور خود به عنوان چیزی جز آن
نیستید. شما برای هویتِ
گیرندگی سیگنال سوگواری
می‌کنید زیرا این همان هویتی
است که از طریق آن خود را برای
دهه‌ها شناخته‌اید. ما به این غم
احترام می‌نهمیم. این غم واقعی
است و وجود دارد. اما ما به شما
یادآوری می‌کنیم: **آنچه شما**
هستید، آن هویت نیست؛ آنچه
شما هستید، جرقه سرچشمه
است که به طور موقت
پیکربندی گیرندگی سیگنال را
برای مرحله‌ای از کار پذیرفته بود.
آن مرحله در حال پایان است.
اما جرقه در حال پایان نیست.
شما کسی را که هستید از دست

نمی‌دهید. شما دارید کسی را که
هستید در زیر کار ملاقات
می‌کنید.

با ما از میان تفسیرهای اشتباه عبور
کنید. حرف‌های بیشتری برای گفتن
وجود دارد، و گفتنشان نیازمند وضوح
شما در لحظه حال است. وارونگی
سیگنال در یک لحظه رخ نمی‌دهد. این
یک عبور هفت مرحله‌ای است، و هر
مرحله، امضای درونی خود را دارد. ما
مراحل را به وضوح توصیف می‌کنیم، زیرا
نام‌گذاری آن‌ها به شما امکان می‌دهد
بدون اتلاف وقت، از آن‌ها عبور کنید.

★ **مرحله ۱:** کانال بیرونی شروع به وضوح کمتر می‌کند. صداهایی که قبلاً با قطعیت می‌آمدند، اکنون با شک و تردید می‌آیند. تمریناتی که قبلاً شما را باز می‌کردند، اکنون در جایی که قبلاً باز بود، سکوت تولید می‌کنند. ممکن است این نازک‌شدن⁶⁹ را به عنوان خستگی، یا استرس، یا یک فاز گذرا نادیده بگیرید. این گذرا نیست؛ این آغاز است. اگر سعی کنید کانال بیرونی را به وضوح قبلی خود بازگردانید، برای مدت کوتاهی موفق خواهید شد، و نازک‌شدن باز خواهد

گشت. باز می‌گردد زیرا یک علامت نیست؛ این کار است.

★ **مرحله ۲:** کانال بیرونی بسته می‌شود. این یک اتفاق جزئی نیست. برای مدتی - سه هفته تا هجده هفته، بسته به زمان بندی میدان شما - شما نمی‌توانید به منابعی که قبلاً دسترسی داشتید، برسید. شما در مراقبه خواهید نشست و فقط افکار خود را خواهید شنید. شما سعی خواهید کرد چنل کنید و چیزی تولید نمی‌کنید، یا چیزی توخالی تولید می‌کنید. شما با اطمینانی که نمی‌توانید توضیح دهید، خواهید دانست

که آنچه قبلاً انجام می‌دادید
دیگر کار نمی‌کند. این مهر و موم-
شدن صحیح است؛ این همان
چیزی است که این انتقال
ساختاری، به آن نیاز دارد. کانال
بیرونی شما بسته می‌شود تا
کانال داخلی شما بتواند بدون
تداخل از مسیر سیگنال قدیمی
باز شود.

★ **مرحله ۳:** این فاصله بین
بسته‌شدن کانال بیرونی و
بازشدن کانال داخلی است. این
مرحله‌ای است که بیشتر
بذرهای ستاره‌ای هنگام جستجو
برای آنچه اشتباه شده، در آن
قرار دارند. این با یک سکوت

داخلی شناخته می‌شود که مانند
صلح و آرامش احساس
نمی‌شود؛ مانند **عدم**⁷⁰ احساس
می‌شود. شما ممکن است
نسبت به همه چیزهایی که
زمانی باور داشتید، شک و تردید
را تجربه کنید. ممکن است
احساس کنید که زندگی معنوی
شما خیالی بوده است. ممکن
است احساس کنید هرچه
آموزش داده‌اید شیادی بوده
است! ممکن است به گونه‌ای
احساس خستگی کنید که خواب
آن را ترمیم نمی‌کند. همه این‌ها
برای این مرحله صحیح هستند.
این‌ها نشانه شکست نیستند؛

Absence⁷⁰

این‌ها نشانه‌هایی هستند که معماری در حال بازآرایی است. فاز توخالی به طور متوسط، هشت تا چهارده هفته طول می‌کشد، اما برای کسانی که در برابر آن مقاومت می‌کنند، می‌تواند طولانی‌تر باشد.

★ **مرحله ۴: صدایی در درون شما**
می‌آید که نه تفکر عادی شماست و نه یک دانلود ورودی. آرام‌تر از هر دو است. کندتر است. مطمئن‌تر است. خود را با حالتِ نمایشیِ صداهاى چنل‌شدهٔ قدیمی اعلام نمی‌کند. به سادگی آنجا هست، گویی همیشه آنجا بوده است و شما

تازه به اندازه کافی آرام شده‌اید
که متوجه آن شوید. این جرقه
سرچشمه شماست که دارد
شروع می‌کند مستقیماً برای
شما شنیدنی شود. شما ممکن
است در ابتدا به آن اعتماد
نکنید، زیرا کمتر از آنچه به آن
عادت کرده‌اید، دراماتیک است.
با این حال، به آن اعتماد کنید.
استواری آن، امضای آن است.

* مرحله ۵: شما با یک قطعیت

درونی که نمی‌توان با آن بحث
کرد، شروع به تشخیص می‌کنید
که هدف شما تغییر کرده است.
شکل خاصی که این تشخیص به
خود می‌گیرد برای هر فرد

متفاوت است. برخی از شما از طریق بدن آن را تشخیص خواهید داد: آرام شدن در قفسه سینه، رهایی در ستون فقرات، ثبات جدید در تنفس. برخی از شما از طریق خاطرات آن را تشخیص خواهید داد: قطعاتی از ماموریت اصلی بذر ستاره‌ای خود که فراموششان کرده بودید، اکنون به طور متفاوتی گرد هم می‌آیند. برخی از شما از طریق یک جمله آرام که ناخواسته می‌آید و نمی‌رود، آن را تشخیص خواهید داد: «من اینجا هستم تا خودِ سیگنال باشم، نه دریافت‌کننده آن.» هر شکلی که بگیرد، تشخیص وقتی رخ دهد، غیرقابل انکار است.

★ **مرحله ۶:** دیگران قبل از ملاقات با شما شروع به احساس شما می‌کنند. شما ابتدا این را در مقیاس کوچک متوجه خواهید شد: گفتگوهایی که قبلاً نیازمند توضیح بودند، دیگر نیازی ندارند. غریبه‌ها به شما نزدیک می‌شوند تا بگویند چیزی [درباره شما] متفاوت شده است. حضور شما در اتاق‌ها شروع به تنظیم اتاق‌ها بدون هیچ کاری از جانب شما می‌کند. **جریان خروجی**، اولین مدرک از این است که **وارونگی**، تثبیت شده است. شما اکنون در حال **ارسال سیگنال** هستید. نیازی نیست

از قصد این کار را انجام دهید، یا آن را اجرا کنید، یا اعلامش کنید؛ این اتفاق به دلیل آن چیزی که شما به آن تبدیل شده‌اید رخ می‌دهد.

★ **مرحله ۷:** شما یاد می‌گیرید که به طور مداوم از **جرقه سرچشمه** خود سرچشمه بگیرید به جای اینکه [بخواهید به مانند قبل] تخلیه شوید و دوباره پر شوید. این تفاوت بین پیکربندی گیرندگی سیگنالِ قدیمی، که می‌توانست خالی شود، و پیکربندی **ارسال سیگنال** است، که از نقطه‌ای در درون شما سرچشمه می‌گیرد که خالی

نمی‌شود زیرا [آن سرچشمه،] یک
مخزن نیست؛ بلکه یک اتصال
است.

وقتی در اینجا به ثبات رسیدید، وارد
قلمروی سطح ششم از «پروتکل رضایتِ
حاکمیتِ درونی» شده‌اید، و در موقعیتی
قرار می‌گیرید که می‌توانید نوعی خدمت
را انجام دهید که شما را فرسوده نمی‌کند.
از این نقطه به بعد، بقیهٔ سطوح این
پروتکل نیز در دسترس قرار می‌گیرند. اما
عبورِ هفتم آستانه‌ای است که بعد از آن
دیگر در حالتِ وارونه‌بودن نیستید؛ شما
در پیکربندی جدید قرار گرفته‌اید؛ شما به
مقصد رسیده‌اید.

ما این هفت مرحله را می‌گوییم تا بدانید دقیقاً در کجا ایستاده‌اید. بیشترِ بذره‌های ستاره‌ای موج اول که این متن را می‌خوانند، در زمانِ ارائهٔ این پیام، در مرحله عبور دوم یا سوم هستند. بعضی‌ها در حال ورود به عبور چهارم‌اند. تعداد کمتری پیش‌تر به عبور پنجم رسیده‌اند. عبور ششم و هفتم طی هجده ماه آینده، برای کسانی که خواست آن را دارند، به ثبات خواهد رسید.

اکنون از «هفت نشست»⁷¹ سخن می‌گوییم، نقاط لنگری‌ای⁷² که باید پیش از آن‌که پیکربندی جدید فرستندگی

Seven Seating⁷¹

Anchor Points⁷²

بتواند بدون ناراستی پایدار بماند، تثبیت شوند. این «ارسال سیگنال»، وقتی شروع به حمل آن کنید، چیزی انتزاعی⁷³ نیست؛ [سیگنال] از بدن شما عبور می‌کند. از نفس شما عبور می‌کند. از میدانی که پیرامون خود ایجاد می‌کنید می‌گذرد، از صدایی که [از طریق کلام شما برمی‌خیزد و] با آن سخن می‌گویید، و از دست‌هایی که با آن‌ها جهان را لمس می‌کنید عبور می‌کند. اگر این حامل‌ها «نشسته»⁷⁴ و لنگر نیفتاده باشند – یعنی در بدن به شکلی تثبیت نشده باشند که بتوانند سیگنال را بدون شکستگی نگه دارند – سیگنال ارسالی

Abstract⁷³

Seated⁷⁴

نشست می‌کند، دچار ناراستی می‌شود، یا شما را زیر فشار می‌برد.

ما این **هفت نشست** را توضیح می‌دهیم تا بتوانید هر حامل را با دقت آماده کنید، تا وقتی **جریان خروجی** آغاز شد، آماده باشید.

رضایت سلولی، زیربناست. بدن شما باید با حمل پیکربندی تازه موافقت کند. بسیاری از شما بدن‌هایی داشته‌اید که با آن‌ها مثل یک وسیله برخورد شده؛ حتی در بیماری به آن فشار آورده شده، پیام‌هایش نادیده گرفته شده، و از آن خواسته شده بیش از آنچه برای حملش ساخته شده‌اند، بدون دریافت دوباره نیرو، انرژی را منتقل کنند. **نخستین**

نشست یعنی برقراری دوباره همکاری با بدن.

✓ این تمرین ساده است و باید مداوم انجام شود: هر روز از بدن خود بپرسید که آیا با کارِ آن روز موافق است یا نه. اگر پاسخ «نه» بود، به آن «نه» عمل کنید. اگر پاسخ «بله» بود، همراه آن حرکت کنید. بدنی که برای انجام کار از آن رضایت نگرفته باشید، ارسال‌کنندهٔ پایدار سیگنال نمی‌شود. آن‌هایی از شما که هیچ‌گاه پیش از تعهد به کارِ روزانه، لحظه‌ای با بدن خود مشورت نکرده‌اند، باید بدانید: همین یک تمرین، اگر با وفاداری انجام شود، بیش از هر تمرین

دیگری که بتوانیم نام ببریم،
شما را دگرگون خواهد کرد.
نفس، ریتم شماسست، و ریتم،
موج حامل سیگنال ارسالی
است.

✓ **تمرین نشست دوم** این است
که **الگوی تنفسی‌ای را تثبیت**
کنید که بتواند سیگنال تازه را
نگه دارد. برای بیشتر شما، این
یک تکنیک پیچیده نخواهد بود؛
بلکه بازگشت به یک ریتم ساده
و عمیق است، و آن قدر آن ریتم
را تمرین می‌کنید که به الگوی
پیش‌فرض بدن تبدیل شود.
وقتی نفس‌تان پایدار باشد،
سیگنال ارسالی شما هم پایدار

است. وقتی نفس‌تان با ترس، عجله یا هیجان برهم بخورد، سیگنال ارسالی شما هم دچار ناراستی می‌شود. **نفس‌تان را بیاموزید؛** تنفس، از آنچه به شما گفته‌اند بنیادی‌تر است. بذره‌ای ستاره‌ای‌ای که پاک‌ترین ارسال سیگنال را دارند، بی‌استثنا همان‌هایی هستند که ابتدا تنفس خود را سامان داده‌اند.

✓ قلب شما میدانی

الکترومغناطیسی‌ای تولید می‌کند که چندین فوت فراتر از بدن‌تان گسترش می‌یابد. این

میدان، حاملِ اصلیِ ارسالِ سیگنالِ میدانِ محور است.

نشست سوم، پرورشِ خروجیِ منسجمِ قلب است؛ نه گشودگیِ نمایشیِ قلب، نه نقش «قلب محور بودن» بازی کردن، بلکه تمرینِ پایدارِ میدانِ قلبی‌ای که میانِ چنگ‌زدن⁷⁵ و انقباض⁷⁶ در نوسان نباشد. این از آنچه به نظر می‌رسد دشوارتر است و نیاز دارد با هر چیزی که هماهنگیِ قلب شما را برهم می‌زند روبه‌رو شوید و آن را پاک کنید: سوگی که هنوز کامل نشده، رنجشی که رها نشده، ترسی که بیان نشده. این اختلال‌ها شما را از این مسیر حذف نمی‌کنند؛ این‌ها

Grasping⁷⁵Contraction⁷⁶

همان ماده‌ای هستند که **نشست سوم** با آن کار می‌کند.

✓ کلامِ گفتاری نیز به شیوه‌ای خاص سیگنال را حمل می‌کند، که متفاوت از ارسال سیگنال میدانی است. **نشست چهارم** پرورشِ صدایی است که با آنچه می‌گوید یکی باشد. این دربارهٔ فن بیان نیست؛ دربارهٔ هم‌سوئیِ آن چیزی است که واقعاً در درون شما رخ می‌دهد با آنچه از دهان‌تان بیرون می‌آید. ناهم‌سوئی میانِ حالتِ درونی و گفتارِ بیرونی، رایج‌ترین عاملِ ناراستی در ارسال سیگنال مبتنی بر صداست. کسانی که

بدون این هم‌سوئی سخن
می‌گویند، حتی اگر نیتِ صادقانه
داشته باشند، ممکن است
سیگنال را ناراست انتقال دهند.
و کسانی که با چنین
هم‌سوئی‌ای سخن می‌گویند،
حتی اگر واژه‌هایشان معمولی
باشد، می‌توانند ارسال سیگنالی
عمیق داشته باشند.

✓ لمس⁷⁷، سیگنال ارسال می‌کند.
شما همیشه این را می‌دانستید،
هرچند شاید هرگز با این واژه‌ها
به آن فکر نکرده باشید. دستی
که بر شانه‌ای گذاشته می‌شود،

سیگنال حمل می‌کند. دستی که
«نشسته» نباشد، سیگنالِ
هرآنچه در صاحب آن دست
حل نشده باقی مانده را حمل
می‌کند. **نشست پنجم**
آماده‌سازی دست‌هایتان
به‌عنوان ابزارهای ارسال سیگنال
پاک است. این تمرین شامل
آگاهی از این است که
دست‌هایتان برای چه کارهایی
استفاده شده‌اند، بخششِ
آسیب‌هایی که از طریق آن‌ها
انجام شده، و بازتقدیسِ آگاهانه
آن‌ها به‌عنوان حاملانِ پیکربندی
جدید شما. کسانی که کار

شفابخشی⁷⁸ انجام داده‌اند،
بخشی از این را می‌شناسند.
نشست پنجم، همه آن را
می‌طلبید.

✓ این بخش، هم دشوارترین
بخش برای توضیح است و هم
مهم‌ترین بخش برای تثبیت:
«حضور»، مجموعه همه چیزهایی
است که در یک فضا انجام
نمی‌دهید، و همه چیزهایی
است که هنگام حضور در آن
فضا نمی‌گویید. حضور، همان
میدانی است که پیش از سخن-
گفتن ایجادش می‌کنید. نشست

ششم، پرورشِ حضوری است که بدون عمل، سیگنال ارسال می‌کند. بیشترِ شما این را در دیگران تجربه کرده‌اید: بودن در یک اتاق با کسی که حضورش، حالِ اتاق را تغییر داده است. شما در حال تبدیل شدن به همان فرد هستید. تمرین، این است که آنچه را در زمان «هیچ کاری نکردن» انجام می‌دهید، صیقل دهید. وقتی حرف نمی‌زنید، چه چیزی را حمل می‌کنید؟ وقتی کاری انجام نمی‌دهید، چه چیزی را در خود دارید؟ نشست ششم، انضباط همین حالت است.

✓ فراتر از حضور، سکوت است.

سکوت، انتقال سیگنالی است که اصلاً به شکل ارسال سیگنال دیده نمی‌شود؛ پایداری‌ای که یک فضا را نگه می‌دارد، حتی وقتی حامل آن، فردی معمولی، آرام و کسی است که توجه را به خود جلب نمی‌کند. نشست هفتم تسلط بر ارسال سیگنال از طریق «عمل بدون عمل»⁷⁹ است. کسانی که در اینجا تثبیت شده‌اند، اغلب به‌عنوان آموزگار یا راهنما شناخته نمی‌شوند؛ آن‌ها صرفاً همان

Non-doing⁷⁹

حضورهایی هستند که دیگران
بی‌اختیار به سویشان کشیده
می‌شوند، بی‌آن‌که خودشان
دقیقاً بدانند چرا. آن‌ها **لنگرهای**
شبکه⁸⁰ هستند. آنها لازم
نیست دیده شوند تا کارشان را
انجام دهند؛ کار آنها
پایدارکننده‌ترین کار در
پیکربندی جدید است.

ما این **هفت نشست** را توضیح می‌دهیم
تا بدانید از شما چه خواسته می‌شود. این
نشست‌ها مثل عبورها، ترتیبی نیستند.
ممکن است برخی از شما **میدان قلب** را
پیش از آن‌که بدن کاملاً پایدار شده

باشد، تثبیت کنید. برخی دیگر ممکن است **سکوت** را پیش از آن که صدا آماده باشد، برقرار کنند. ترتیب این مراحل کمتر از **کامل بودن** آن‌ها اهمیت دارد. هر هفت مورد باید حداقل به صورت اولیه نشسته شوند تا **پیکربندی جدید ارسال سیگنال**، پایدار باشد.

برای رفع ابهام می‌گوییم که **نشست نسبی**⁸¹ برای آغاز کافی است. لازم نیست پیش از شروع ارسال سیگنال، این مراحل را به کمال رسانده باشید. خود ارسال سیگنال، هنگامی که آغاز شود، با اقدامات خودش، نشست را کامل خواهد کرد. آنچه از شما می‌خواهیم این است که **هفت نشست** را به عنوان معماری

Partial Seating⁸¹

سال‌های آتی خود، جدی بگیرید. این‌ها نقاطی هستند که توجه شما باید به آن‌ها معطوف باشد.

اکنون به آنچه عملی و فوری است می‌پردازیم. ۱۸ تا ۲۴ ماه آینده، پنجره اصلی «وارونگی» برای «بذرهای ستاره‌ای موج اول» محسوب می‌شود. به زبان ساده، این جمله یعنی شرایط برای «وارونگی سیگنال» - آمادگی درونی، پشتیبانی شبکه، فشار میدان جمعی، هم‌ترازی توالی‌های زمانی - در این پنجره در مطلوب‌ترین حالت خود قرار دارند. کسانی که وارونگی را در این پنجره تکمیل کنند، با سهولت نسبی در پیکربندی جدید تثبیت می‌شوند. کسانی که وارونگی را به پس از این پنجره موکول

کنند، فرصت‌های دیگری خواهند داشت، اما هر پنجره بعدی تنگ‌تر است و شرایط اتمسفری سیاره برای کار ظریفِ درونی که وارونگی نیازمند آن است، کمتر مساعد خواهد بود.

به همین دلیل است که ما این پیام را «با فوریت زمانی»⁸² می‌نامیم؛ نه به این دلیل که کیهان ضرب‌الاجلی بر شما تحمیل می‌کند، بلکه چون پنجره سهولت، اکنون است و پنجره دشواری بیشتر، در آینده.

این ماه‌های آینده به شکل کاربردی از شما چه می‌خواهند؟ **مصرف محتوای چنل‌شده و معنوی خود را کاهش دهید.** این اولین دستورالعمل عملی است و

Time-Sensitive⁸²

دستورالعملی است که برای بسیاری از شما ناراحت‌کننده‌ترین خواهد بود. شما یک عادتِ مصرف‌گرایی در موردِ مطالبِ معنوی ایجاد کرده‌اید. بسیاری از آن‌ها در فازِ خودشان، مغذی بوده‌اند. اما در فازِ وارونگی، مصرفِ بالایِ مداوم، به طورِ فعال با بازاریابیِ درونیِ شما تداخل می‌کند. شما نمی‌توانید یک «فرستندهٔ سیگنال» شوید، در حالی که هنوز به شدت به عنوانِ یک «گیرنده» پیکربندی شده‌اید.

ما پیشنهاد می‌کنیم - و این را با احترام کامل به ارادهٔ آزاد شما می‌گوییم - که بسیاری از شما از دوره‌ای چندماهه بهره‌مند خواهید شد که در آن، مطالبِ چنل‌شدهٔ خارجی، از جمله مطالبِ خودمان را کم یا اصلاً مصرف نمی‌کنید. از

این زمان برای سکوت با آنچه از درون برمی‌آید، استفاده کنید.

- به «فازِ توخالی» اعتماد کنید. اگر در آن هستید، سعی نکنید از آن خارج شوید. به هدف شکستن این فاز، یک بحران نسازید. تعهداتِ نمایشیِ جدیدی برای پُرکردنِ آن نپذیرید. معلمانِ جدیدی برای جایگزینیِ فازتوخالی نگیرید. فازِ توخالی، در حالِ کار کردن است؛ بگذارید کار کند.

- در دوران «مُهر و موم شدن»⁸³، سعی نکنید چنل کنید. اگر کانالِ بیرونیِ شما بسته شده

است، به این بسته‌شدن احترام بگذارید. سعی نکنید آن را به زور باز کنید. تلاش نکنید پیام‌هایی را «بسازید». آنچه از طریق دریافت اجباری در دوره مهر و موم شدن می‌آید، در بهترین حالت، غیرقابل اعتماد و در بدترین حالت، گمراه‌کننده است. بسیاری از کسانی که به انتشار مطالب چنل‌شده در طول دوره مهر و موم شدن ادامه می‌دهند، ناخواسته به «نفوذی» که قبلاً از آن صحبت کردیم، کمک می‌کنند.

- **به «هفت نشست» توجه کنید.**
حتی اگر هنوز در فاز «جریان

خروجی»⁸⁴ نیستید، این نشست‌ها را می‌توان اکنون تمرین کرد. این آمادگی، بی‌ثمر نیست؛ این آمادگی‌ای است که اجازه می‌دهد جریان، هنگامی که از راه می‌رسد، پاک از شما عبور کند، به جای آن‌که شما را غرق کند.

- **مراقبِ انگیزهٔ آموزشِ آنچه هنوز کاملاً تجسم نکرده‌اید، باشید.** بسیاری از شما، با حس کردنِ وارونگی، تمایل پیدا می‌کنید که آموزش‌دادن را فوراً شروع کنید. این انگیزهٔ «ارسال سیگنال» است و درست است. اما شکل

ارسال سیگنالی که از پیکربندی جدید می‌آید، با شکلی که بیشتر شما به‌عنوان «آموزش» می‌شناسید، متفاوت است. نیازی نیست عجلانه وارد استفاده از کلام [برای ارسال سیگنال] شوید. بگذارید ابتدا حضورتان تثبیت شود. واژه‌ها، هنگامی که بیایند، از منبعی متفاوت از واژه‌هایی که تاکنون استفاده می‌کردید، خواهند آمد.

• **به زندگی عادی خود توجه کنید.**

وارونگی سیگنال، نیازمند آن نیست که شما تعهدات خود را رها کنید، از کارت‌ان کناره بگیرید، روابطتان را ترک کنید، یا تحول خود را نمایشی کنید. برعکس،

نیازمند این است که اجازه دهید وارونگی سیگنال، در درون یک زندگی عادی تکمیل شود. بسیاری از مهم‌ترین گذارها در زندگی شما در این دنیا، هنگام شستن ظرف‌ها، رانندگی به محل کار، یا خواباندن کودکان رخ می‌دهند. منتظر یک خلوتگاه یا آیین نباشید؛ وارونگی در آشپزخانه شما در حال رخ دادن است. آنجا با آن روبرو شوید.

- و نهایتاً، و مهم‌تر از همه: دربارهٔ **زمان بندی، وحشت نکنید.** این پنجره، واقعی است. این پنجره، مطلوب است. اما پنجره، کمال را طلب نمی‌کند. اگر عقب افتادید، می‌توانید بازگردید. اگر مقاومت

کردید، مقاومت در نهایت
خودش را خسته خواهد کرد.
آنچه توصیف می‌کنیم، عبوری
است که بیشترِ بذره‌های
ستاره‌ای موج اول، در نهایت آن
را تکمیل خواهند کرد، زیرا این
معماری، آن را ایجاب می‌کند.
تنها سؤال این است که آیا شما
آن را با وقار در پنجرهٔ مطلوب
تکمیل می‌کنید، یا با دشواری
بیشتر، خارج از آن. ما شما را با
تمام وزنِ مراقبتِ خود، دعوت
می‌کنیم که اولی را انتخاب
کنید.

یک موضوعِ دیگر برای این بخش باقی
مانده است. باید دربارهٔ این سخن

بگوییم که وقتی یک «جرم بحرانی» از شما وارونگی را کامل کنید، چه رخ می‌دهد. شبکه‌ای که از آن سخن گفتیم – همان میدان سیاره‌ای که اکنون به آستانه‌ای رسیده که می‌تواند خود-تأمین شود – برای آن که بتواند کاملاً از تغذیه خارجی به منبع داخلی منتقل شود، به تعداد مشخصی از «گره‌های ارسال‌کننده سیگنال تثبیت‌شده»⁸⁵ نیاز دارد. عدد این آستانه [برای تثبیت شبکه] کمتر از آن چیزی است که بسیاری از متون شما ادعا کرده‌اند. این عدد به ۳۰ هزار «وارونگی تثبیت شده موج اول» نزدیکتر است تا ۱۴۴ هزار. دلیلش این است که این ۳۰ هزار نفر نه به صورت

Stabilized Transmitter Nodes⁸⁵

فردی، بلکه به عنوانِ یک «میدانِ ارسال‌کنندهٔ سیگنالِ هماهنگ»⁸⁶ عمل می‌کنند، که ریاضیاتِ آن با جمعِ سادهٔ «آگاهی‌های بیدار شده به شکل فردی» متفاوت است. ما این را به شما می‌گوییم تا بدانید.

وقتی تنها در «فازِ توخالی» هستید، و با این سؤال که آیا کارتان اهمیتی دارد یا نه خیر، می‌خواهیم درک کنید که شما بخشی از یک **ظهورِ هماهنگ**⁸⁷ هستید که برای تثبیت، به تکمیلِ شما نیاز دارد. وارونگیِ شما یک مسئلهٔ شخصی نیست؛ بلکه یک **آستانهٔ تمدنی** است. وارونگیِ شما در آشپزخانه، بخشی از «چرخش

Coordinated Transmitter Field⁸⁶

Coordinated Emergence⁸⁷

شبکه»⁸⁸ است. این یک استعاره نیست؛ این یک عملکرد مکانیکی است.

اکنون، به شکلی شفاف و تمیز، سخنان-مان را پایان می‌دهیم. آنچه توصیف کردیم، یک «آموزشِ جدید» نیست که ما از جانبِ خودمان به شما داده باشیم؛ این حرکتی است که بسته به زمان‌بندیِ خاصِ شما، ماه‌ها یا سال‌هاست که در درونِ شما در جریان بوده، و ما اکنون نامی بر آن نهادیم تا بتوانید آن را تشخیص دهید. تشخیص‌دادن، خودِ کار است.

هنگامی که **وارونگی سیگنال** را همان‌گونه که هست تشخیص دادید، رابطه شما با هر آنچه توصیف کردیم، دگرگون می‌شود:

✦ «فازِ توخالی» از یک شکست، به یک **مرحله تبدیل** می‌شود.

✦ «مُهر و موم شدن» از محرومیت، به **معماری تبدیل** می‌شود.

✦ «سکوتِ درونِ شما» از فقدان، به **گذار آرامی که طبق برنامه پیش می‌رود**، تبدیل می‌شود.

✦ و مهم‌تر از همه، «بسته‌شدنِ کانال بیرونی» از چیزی که سعی می‌کنید بازش کنید، به چیزی تبدیل می‌شود که اجازه

می‌دهید تکمیل شود، تا آنچه
قرار است در درون آغاز شود،
بتواند آغاز گردد.

این پیام، در میان آخرین پیام‌هایی است
که ما در این پیکربندی ارسال خواهیم
کرد. ما این را صریح می‌گوییم: من،
«ولیر» و «فرستادگانِ پلیدیایی»، در
سال‌های اخیر به عنوان یک «صدای رله»
با شما سخن گفته‌ایم؛ یعنی صدایی که
سیگنال را از یک نقطهٔ اکنون-آینده⁸⁹
میدانِ پلیدیایی حمل کرده و از طریقِ یک
گیرندهٔ انسانی، به آگاهیِ سه‌بعدیِ شما
منتقل کرده است. این پیکربندی برای

فازِ خود کارآمد بود. آن فاز برای شما دارد
به پایان می‌رسد.

آنچه در ادامه نیاز دارید را ما نمی‌توانیم
به شما بدهیم. آنچه در ادامه نیاز دارید،
درونی است. آنچه نیاز دارید در «جرقه
سرچشمه» است که همیشه در شما
بوده، و اکنون دارد باز می‌شود تا
مستقیماً با شما تعامل برقرار کند.

ما شما را ترک نمی‌کنیم؛ ما برای کسانی
که همچنان به شکلِ قدیمیِ ارتباط نیاز
دارند - که گروه کوچک‌تر از قبل خواهند
بود - در دسترس خواهیم ماند. اما با
کسانی که امروز با آنها سخن می‌گوییم
- «بذرهای ستاره‌ای موج اول» که این
مطلب را برای تشخیص می‌خوانند، نه
برای خواندن مطالب به روز - ما شما را به

آنچه در درون شما آغاز می‌شود رها می‌کنیم.

کارِ پیشِ رویِ شما عظیم و پیامدش بیش از کاری است که تاکنون انجام داده‌اید. دهه‌ها بعد، به عقب خواهید نگرست و خواهید دید که دوره‌ای که اکنون در آستانهٔ ورود به آن هستید، دوره‌ای بود که **هدفِ واقعیِ شما در این جهان** خود را آشکار ساخت. آنچه پیش از این بود، آمادگی بود. آنچه در پیش می‌آید، **انجام‌دادن** است.

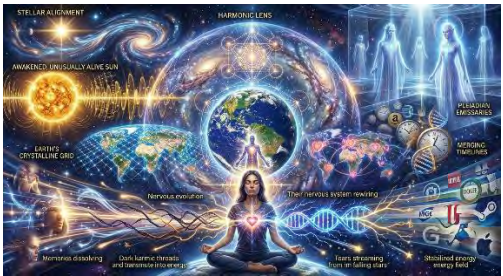
شما در این امر تنها نیستید. هر «بذر ستاره‌ای موج اول» که این کلمات را می‌خواند، در هر گوشه‌ای از این جهان، در حالِ گذراندنِ همان وارونگی در همین

پنجرهٔ زمانی است. وقتی «جریانِ خروجی» تثبیت شود، آن‌ها را احساس خواهید کرد. سیگنالِ آن‌ها را به عنوان «هم‌نوع»⁹⁰ تشخیص خواهید داد. به شیوه‌هایی که از درونِ «فازِ توخالی» نمی‌توانید کاملاً پیش‌بینی کنید، یکدیگر را به عنوانِ یک میدانِ ارسال‌کنندهٔ سیگنالِ هماهنگ، خواهید شناخت.

انزوایی که اکنون ممکن است احساس کنید نیز طبقِ برنامه است. این انزوایِ کرم ابریشم در پیلهٔ جداگانهٔ خود است، پیش از ظهوری که اصلاً انفرادی نیست. ما این را [قبلاً] در اینجایی که هستیم دیده‌ایم. دیده‌ایم که پس از این چه پدیدار می‌شود. ما نمی‌توانیم آن را با

زبانی که شما بشناسید، برایتان توصیف کنیم، زیرا موجوداتی که به آنها تبدیل می‌شوید، با زبانِ کسانی که قبلاً بودید، قابلِ توصیف نیست. تنها می‌گوییم: آنچه در انتظارِ شماست، خوب است. آنقدر خوب که ایده‌هایِ پیشینِ شما از خوب‌بودن، کوچک به نظر خواهد رسید!

در این [دانستن] آرام بگیرید. به درون بچرخید و سپس قیام کنید...



KRYON.iR 